

## در سالگرد دوم خرداد، و در زیر یورش شدید عوامل چماق‌دار هزاران دانشجو از رئیس جمهور خواستند به شعارها و وعده‌های خود به ملت پایدار بماند



این مردم برای پیشبرد اصلاحات و دموکراسی مصمم و آماده‌اند، آن‌ها از رئیس‌جمهور برنامۀ روشن و قاطعیت بیشتر می‌خواهند!

هزاران نفر از دانشجویان و مردم در تهران روز یکشنبه دوم خرداد در پارک ملت گرد آمدند و بر عزم و اراده خود برای ادامه اصلاحات، توسعه سیاسی، آزادی زندانیان سیاسی، معرفی مجازات قاتلین نویسندگان و آزادی خواهان ایران تأکید کردند و از آقای خاتمی خواستند که در راه تحقق شعارها و وعده‌هایی که به ملت داده است، پایدار بماند. این تظاهرات به دعوت دفتر تحکیم وحدت برگزار شد و مورد پشتیبانی ده‌ها جمعیت و تشکل طرفدار اصلاحات قرار گرفت. تظاهرات دانشجویان ابتدا قرار بود به صورت یک ادامه در صفحه ۵



اول ژوئن، یازده خرداد؛  
روز جهانی کودک  
پر شمه کودکان ایران  
گرامی باد!

## با دفاع خامنه‌ای از شورای نگهبان و تصمیم‌گیری آن به جای مردم نظارت استصوابی بر انتخابات مجلس به کانون مبارزات سیاسی تبدیل شد

حملاتی که علیه شورای نگهبان صورت می‌گیرد، اظهار داشت: «جنگ علیه نظارت استصوابی، یکی از مباحث بسی‌منا و بی‌ریشه است که با هدف تضعیف شورای نگهبان و نفوذ دادن عناصر مخالف با اسلام و نظام و اسام در ارکان قانون‌گذاری ادامه در صفحه ۲

باقی مانده است، خامنه‌ای سه‌شنبه ۲۸ اردیبهشت شخصاً وارد مباحث پیرامون حدود اختیارات شورای نگهبان در تعیین فهرست نامزدهای انتخابات مجلس شد و با صراحت، جانب شورای نگهبان و جناح چماق‌دار حکومت را گرفت. رهبر رژیم، ضمن «تقیح

هفته گذشته صحنه مبارزات سیاسی در ایران شاهد اوج گرفتن کشمکش بر سر آنچه در جمهوری اسلامی، نظارت استصوابی شورای نگهبان بر انتخابات مجلس نامیده می‌شود. در حالی که هنوز بیش از ۹ ماه به برگزاری انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی

## سخنان رئیس‌جمهور به انتظارات پاسخ نداد!

روز یکشنبه در سالگرد دوم خرداد ماه، بیش از یکصد هزار نفر از نمایندگان شوراهای اسلامی در استادیوم آزادی، چند هزار دانشجو در پارک لاله و میلیون‌ها نفر از مردم ایران در سراسر کشور و حتی سایر نقاط جهان آماده بودند تا از رئیس‌جمهور «بیست میلیونی»، سخنان قاطع و برنامه روشنی در جهت ادامه اصلاحات و فضای باز سیاسی بشنوند. اما این انتظار بی‌پاسخ ماند و آقای خاتمی به جز تکرار سخنانی عام در تمجید آزادی از یکسو و سخنانی در جهت خشنودی مخالفان محافظه کار خود از سوی دیگر، برنامه روشنی برای ادامه توسعه سیاسی و اصلاحات ارائه نداد و تصمیم تازه‌ای را اعلام نکرد.

## انتخاب شهردار تهران به تعویق افتاد

روز یکشنبه در تهران اعلام شد انتخاب شهردار تا روز سه‌شنبه به تعویق افتاده است. صدیقه و سمنی، سخنگوی شورای شهر تهران دلیل تعویق انتخاب شهردار را «شکرت اعضای شورای شهر تهران در همایش سراسری شوراهای سراسری کشور و مراسم سالگرد حماسه دوم خرداد در ورزشگاه آزادی تهران» اعلام کرد. پیش از این اعلام شده بود که شهردار تهران همزمان با این همایش انتخاب خواهد شد.

برای انتخاب شهردار تهران، شورای شهر از مردم دعوت کرده بود پیشنهاد خود را به این شورا ارائه دهند. از میان ۷۴ نفری که از سوی محافل و نهادهای مختلف برای این مقام پیشنهاد شدند، برخی از چهره‌های سرشناس نظیر بهزاد نبوی، میرحسین موسوی و فائزه هاشمی از همان ابتدا اعلام کردند که این پست را نخواهند پذیرفت. شورای شهر از میان افراد پیشنهاد شده در مرحله نخست ۹ نفر را برگزید. این ۹ نفر عبارت بودند از ابراهیم اصغرزاده، قاسم تقی‌زاده خامسی، محمد حقانی، محمد غرضی، فخرالدین دانش‌آشتیانی، عزت‌الله سجایی، شهاب گنابادی، محمد عسکریانفر و سهیلا جلوردارزاده. در میان این افراد تنها عزت‌الله سجایی، وابسته به جناح‌های حکومتی نبود.

کاندیداهای مقام شهردار تهران، در چند جلسه در شورای شهر حضور یافتند و برنامه‌های خود را برای شهر تهران اعلام داشتند.

## حزب دموکرات کردستان ایران: دوزندانی سیاسی کرد به جوخه اعدام سپرده شدند

شریفی اهل مهاباد و جواد رضایی اهل کرمانشاه نیز در زندان‌های حکومت اسلامی اعدام شده‌اند. این جنایات که اکثراً مخفیانه انجام می‌شود، باید مورد اعتراض گسترده دانشجویان، روشنفکران، روزنامه‌نگاران و همه آزادی‌خواهان ایران قرار گیرد تا این اعتراض مانع از انجام جنایات‌های تازه علیه مردم کردستان ایران شود.

شیرینی اهل مهاباد و جواد رضایی اهل کرمانشاه نیز در زندان‌های حکومت اسلامی اعدام شده‌اند. این جنایات که اکثراً مخفیانه انجام می‌شود، باید مورد اعتراض گسترده دانشجویان، روشنفکران، روزنامه‌نگاران و همه آزادی‌خواهان ایران قرار گیرد تا این اعتراض مانع از انجام جنایات‌های تازه علیه مردم کردستان ایران شود.

مهندس عزت‌الله سجایی ننگ‌دشته بود، که او باش و چماق‌داران حملات خود به جمعیت را آغاز کردند. درگیری بین او باش چماق‌دار و مردم تا مدت‌ها در برابر چشم گارد ضد شورش که جمعیت را در محاصره خود داشت ادامه یافت و چماق‌داران با سلاح‌های سرد، ده‌ها تن را مجروح کردند،

## وزارت اطلاعات و امنیت قرار داشته‌اند. بنا بر این گزارش، مأموران جمهوری اسلامی پس از اعدام زندانیان کرد، از تحویل جنازه آنان به خانواده‌هایشان خودداری کرده و خود، آنان را به خاک سپرده‌اند. خانواده‌های این دو شهید خلق کرده تحت فشار شدید قرار گرفته‌اند تا از برگزاری مراسم یادبود عزیزان خود خودداری کنند. جنایت تازه رژیم اسلامی، و فشار آن به خانواده قربانیان،

بنابر یک اطلاعیه که از سوی حزب دموکرات کردستان ایران منتشر شد، دو زندانی سیاسی کرد در سحرگاه روز چهارشنبه ۱۵ اردیبهشت، در زندان ارومیه به دست جلاخان رژیم اسلامی به جوخه اعدام سپرده شدند. این دو زندانی مصطفی قادری و محمدعلی کدر نام داشته‌اند و سال‌ها از عمر خود را در زندان‌های جمهوری اسلامی سپری کرده بودند و بطور مداوم تحت آزار و شکنجه مأموران

مرام و ویژگی خاصی بخشیده بود. بر بازاری بسیاری از شرکت کنندگان در مراسم بزرگداشت، پرچم‌های ایران بدون آرم و نشان جمهوری اسلامی نقش بسته بود. مراسم بزرگداشت زادروز مصدق در محاصره نیروهای انتظامی و گروهی از او باش آغاز شد و هنوز مدت زمانی از شروع سخنرانی

نداشتند. هر دو کشور سال‌هاست که هر یک به نحوی داعیه رهبری جهان اسلام را دارند و در پافشاری بر ادعای خود به خصوص در سال‌های اولیه حکومت جمهوری اسلامی و حیات خمینی بارها تنشجات

## هزاران نفر در احمدآباد خاطر مصدق را گرامی داشتند

در جریان حمله او باش به این گردهمایی، ده‌ها تن مجروح شدند و به بیمارستان انتقال یافتند

هزاران نفر از آزادی‌خواهان ایران با اجتماع بر مزار دکتر محمد مصدق در روستای احمد آباد، صد و هفتاد سالگرد تولد او را گرامی داشتند. ده‌ها پلاکارد و شعار در حمایت از آزادی، همراه با عکس‌هایی از مصدق، داریوش و پروانه فروهر، عباس امیرانتظام و سایر آزادی‌خواهان ایران، به این

سفر هفته پیش خاتمی رئیس‌جمهوری اسلامی به سه کشور سوریه، عربستان سعودی و قطر به تعبیر اغلب کارشناسان امور سیاسی منطقه، نقطه عطفی در روابط ایران و کشورهای منطقه بعد از روی کار آمدن حکومت

## سرمقاله دو سال بعد از دو خرداد

در دومین سالروز دو خرداد، پرسش آن است که آن جنبش نهان در جامعه که در دو خرداد ۱۳۷۶ برآمد کرد و از آن روز تا امروز رقم‌زننده اصلی سرنوشت سیاسی کشور ما شده است، چه اندازه پیش رفته است و تا کجا می‌توانسته پیشروی کند و چه آینده‌ای را پیش روی خود دارد؟

دو خرداد، برآمد نخستین مقاومت همگانی و ملی مردم در برابر تعرض همه‌جانبه طرفداران ولایت مطلقه فقیه به حقوق عمومی و مدنی جامعه و مظهر اولین تعرض ملی نیروهای تحول و اصلاحات در کشور و ساختار قدرت به سنگر دشمنان آزادی بود. دو خرداد یک نقطه عطف بود.

دو خرداد، پرچم مقاومت ملتی بود در برابر قدرتی اقلیتی قدرتمدار که با شعار «ذوب در ولایت فقیه» می‌خواستند تا قدرت سیاسی را بطور کامل به چنگ بگیرند و در زیر علم و کتل آن، پرچم جمهوری را به طور کامل به زیر کشند.

دو خرداد، تنها یک شکست خوردکننده برای محافظه کاران حکومتی و یک پیروزی عظیم برای مردم و آن بخش از حکومت که به مردم رو نمودند و خواسته‌هایی از مردم را بازگو کردند را به نمایش گذاشت، بلکه به همت نیروی مردم، روندهای سیاسی آتی جامعه را تعیین کرد و به آن‌ها سمت داد. نیروی خالق دوم خرداد در یک بازآفرینی تاریخی، به مخلوق خود - آقای خاتمی رئیس‌جمهور - مسئولیت تاریخی بزرگی داد تا آن دسته از هم‌راه‌های خود در حکومت را که به چیزی جز همه چیز راضی نیستند و بی‌شرمانه به چیزی جز تبدیل ملت به دلقک خیمه شب بازی‌های زر و زور خویش رضایت نمی‌دهند، مهار کند. مردم وقتی دیدند علی‌رغم حذف بیش از دو بیست کاندیدای ریاست جمهوری، فقط چهار نفر باقی مانده‌اند که یکی از آن‌ها چندان هم «خودی» فقها نیست، به حرکت درآمدند. آن زمان که از این کاندیدا حرف‌هایی در باره جامعه مدنی، قانون‌مداری، آزادی، تساهل، سیاست خارجی مسالمت‌آمیز و دستاوردهای بشریت مدرن شنیدند، حرکت خود را به خیز بزرگی بدل کردند و حماسه دو خرداد را آفریدند. انتخاب خاتمی بهترین انتخاب مردم نبود، اما در شرایطی که هیچ شخصیت آزادی‌خواهی نتوانسته بود از صافی شورای نگهبان و شرایط ضددموکراتیک دست‌پخت آن بگذرد، بهترین انتخاب در میان کاندیداهای موجود بود. انتخاب مردم تنها یک «نه» بزرگ به جناح انحصارطلب نبود بلکه خصلت اثباتی نیز داشت.

از دوم خرداد ۷۶ تا دوم خرداد ۷۸، جنبش مردم بسیار پیش رفته است. پیشرفت این جنبش بیش از هر چیز در آن است که خواسته‌هایی را که دوم خرداد بطور ناروشن مطرح کرده بود، به خود آگاه جامعه تبدیل کرده است. مردم اکنون بسیار روشن‌تر از دو سال پیش می‌دانند که چه می‌خواهند و چه نمی‌خواهند. آن‌ها بسیار بیشتر از دو سال پیش مصممند که به خواسته‌های خود جامعه عمل ببوشانند و برای تحقق این خواسته‌ها مبارزه و مقاومت کنند. خیزش خودبخودی دوم خرداد، اکنون به یک جنبش آگاهانه ادامه در صفحه ۴

## یخ سردی روابط ایران و عربستان شکست

اسلامی به شمار می‌آید. در جریان این سفر، دیدار خاتمی از عربستان سعودی به ویژه از اهمیت بیشتری برخوردار بود، چرا که این دو کشور در سال‌های اخیر روابط دوستانه با یکدیگر

نداشتند. هر دو کشور سال‌هاست که هر یک به نحوی داعیه رهبری جهان اسلام را دارند و در پافشاری بر ادعای خود به خصوص در سال‌های اولیه حکومت جمهوری اسلامی و حیات خمینی بارها تنشجات

سفر هفته پیش خاتمی رئیس‌جمهوری اسلامی به سه کشور سوریه، عربستان سعودی و قطر به تعبیر اغلب کارشناسان امور سیاسی منطقه، نقطه عطفی در روابط ایران و کشورهای منطقه بعد از روی کار آمدن حکومت

یادداشت

مردم قیم نمی خواهند

حیبالله عسگراولادی در بحث داغی که پیرامون نظارت استصوابی شورای نگهبان بر انتخابات مجلس جریان دارد، گفته است نمی‌شود گذاشت کسی که نماز نمی‌خواند به نمایندگی از سوی مردمی که اکثریت آنها نماز را قبول دارند انتخاب شود. آقای عسگراولادی که این گونه از جانب مردم سخن می‌گوید کسی است که در آخرین انتخابات حتی رای ۵ درصد از این مردم را هم نداشت و نتوانست به نام آن‌ها به مجلس راه یابد. در جمهوری اسلامی رسم چنین است هر چه بیشتر منظور مردم هستند، بیشتر به نیابت از جانب مردم حرف می‌زنند و مشکل نیز در این است که اراده خود را بر اراده مردم تحمیل می‌کنند. نظارت استصوابی فلسفه‌ای جز این ندارد که این قیم‌های مورد تفرق مردم را به نمایندگی مردم «انتخاب» کند!

مردم ایران با صدای بلند می‌گویند قیم نمی‌خواهند و آقایان هنوز بر آنند که قدرتی فوق بشری آنان را به شبانی رمه گماشته است. هفته گذشته، سرچوپان خودگماشته است، از خورف بالا گرفتن صدای آزادیخواهی مردم و تبدیل انتخابات دور ششم مجلس به دوم خرداد دیگری، خود به میدان آمد و با تمام قوا از شورای نگهبان و نظارت استصوابی آن بر انتخابات مجلس دفاع کرد. به نظر می‌رسد دو جناح راست و اصلاح‌طلب حکومت، از هم‌اکنون با تمام قوا وارد عرصه مبارزه بر سر تسخیر مجلس ششم شده‌اند. شکل این مبارزه، کشمکش بر سر قانون انتخابات است که در صورت فعلی‌اش، مقرر می‌دارد صلاحیت همه کاندیدها از تصویب هیأت‌های نظارت برگمارده شورای نگهبان بگذرد. دو دوره اخیر مجلس را جناح راست حکومت با همین حربه تیول خود کرد. اکنون مردم و جناح چپ حکومت می‌خواهند نگذارند دو دوره قبل انتخابات این بار نیز تکرار شود، مردم با این نیت که اراده‌شان پایمال و لایق فقیه نگردد و اصلاح‌طلبان درون حکومت با این نیت که سنگر مجلس را از تصرف رقبای خود خارج کنند.

همانگونه که ناطق نوری گفته است، خامنه‌ای برای این به صراحت وارد گود شد که بحث‌ها را «در نطفه خفه کند». اما جناح راست مغافل است از اینکه این مبارزه دیگر مدتهاست از حالت نظنه‌ای خارج شده و در اعماق جامعه ریشه دوانده است. مطبوعات، دانشجویان، روشنفکران، شخصیت‌ها و احزاب ملی و دمکرات و برخی از چهره‌های اصلاح‌طلب حکومتی، بی‌اعتنا به سخنان خامنه‌ای، به انتقاد از نظارت استصوابی ادامه می‌دهند.

حد موفقیت مبارزه مردم، تا حد زیادی بستگی به واکنش دولت خاتمی در برابر توپ و تشر خامنه‌ای دارد. آیا دولت به وعده‌ای که عبدالله نوری وزیر کشور وقت در اسفند ۷۶ داد و وفادار می‌ماند و بسا پیگیری، در تصویب لایحه‌ای

ادامه از صفحه اول

دیگری وجود ندارد. آزادیخواهان ایران، با هر گونه اعمال قیومیت بر انتخابات مردم، مخالف و مصمانه خواهان برچیدن این بساط هستند. اگر قرار است کسی بنا به جرایم کیفری از حق نمایندگی محروم شود، این تنها در صلاحیت دادگاه‌های دارای نهادهای تفکیک‌شده قاضی، دادستان، وکیل مدافع و هیأت متصفه است که چنین تصمیمی بگیرند. هر گونه مرجع دیگری برای تصفیه کاندیدها زائد است. هیچ شرط سیاسی و ایدئولوژیک برای صلاحیت نامزدی نمایندگی مردم پذیرفته نیست. اگر هم دو جناح حکومتی مانند انتخابات شوراها بر سر نحوه تصفیه کاندیدها به توافق دست نی‌بخشد.

اما فعلاً همه چیز حاکی از آنست که دو جناح حکومتی از توافقی به سبک توافق بر سر نحوه تأیید صلاحیت نامزدهای شوراها فاصله زیادی دارند. اگر جناح راست در مورد شوراها نظر به نقش سیاسی محدود آنها پذیرفت که به عقب‌نشینی محدودی تن دهد، می‌داند که هر گونه عقب‌نشینی و دادن امکان معرفی کاندیدها در همه حوزه‌ها به اصلاح‌طلبان حکومتی همان و از دست دادن اکثریت مجلس ششم همان. از این رو، ولایت فقیه و اعوان و انصارش دو دستی به تنها حربه خود برای جلوگیری از شکست در انتخابات که همان نظارت استصوابی است چسبیده‌اند. بسدیعی است که در این کشمکش، هر تلاشی برای به عقب راندن جبهه نظارت استصوابی، مورد حمایت آزادیخواهان ایران قرار خواهد گرفت. اما لغو نظارت استصوابی تنها نخستین گام است. مهدی کروبی در کسفرانس مطبوعاتی هفته گذشته خود گفت: «نظارت استصوابی اساساً برای آن اختراع شده که مانع شرکت یک نیروهای غیرحکومتی که نمایندگان بخشی از مردم ایران هستند را در انتخابات هموار نخواهد کرد. کروبی در این گفتار می‌خواهد که حذف نیروهای چپ از انتخابات آن‌ها به اصول دیگری از قانون اساسی مراجعه کرده‌اند که این اصول همگی بر سر جای خود باقی هستند.

مردم و اپوزیسیون دمکرات ایران برای لغو نظارت استصوابی خواهند کوشید اما از خواست‌های دیگر خود برای برگزاری انتخابات واقعاً آزاد و عاری از هر گونه قیومیت دست نخواهند کشید. این عقبنشینی، وزارت نوری را نجات نداد. اکنون نیز از صف آرای جناح محافظه‌کار برای دفاع از نظارت استصوابی چنین برمی‌آید که جز توسل به این فشار از پایین و بسیج نیروهای مردم برای پایان دادن به این جایگاه توهین‌آمیزی که شورای نگهبان دارد، راه موثر

موضوع بگیرد.

کروبی هدف از برگزاری کسفرانس مطبوعاتی خود را اثبات این نکته اعلام کرد که نظارت استصوابی پس از مرگ خمینی ابداع گردید و «به صورت اهرم فشاری در اختیار شورای نگهبان که دارای گرایش خاصی است قرار گرفت تا جریان سیاسی خاصی (نیروهای پیرو خط امام) را از صحنه سیاسی کشور حذف کند». کروبی افزود برای مستند قابل ارائه به دادگاه دارد.

چهارها چگونه حذف گردید

کروبی برای اثبات اینکه در زمان خمینی، نظارت استصوابی اعمال نمی‌شده است به شرح چگونگی حذف کاندیداهای فدائیان خلق و حزب توده ایران از نخستین انتخابات پرداخت و یادآور شد که در تیرماه ۱۳۶۰ که در مجلس و هیأت رئیسه آن اکثریت دارند، در مقابله با لایحه دولت به تاکتیک دفع‌الوقت متوسل شدند. طرفداران دولت خاتمی در مطبوعات، هم‌گام با طرح دولت خاتمی شش ماه در کشوری میز موحدی ساوجی رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس خاک خورد و در این مدت، ساوجی درگیر کشمکش با وزارت کشور بر سر نظارت بر انتخابات شوراها بود. در نتیجه، اخیراً دولت خواهان در اولویت قرار دادن طرح مزبور گردید.

سخنان کروبی

به محض انتشار اخباری در مورد دستور قرار گرفتن لایحه پیشنهادی دولت، فعالیت و اظهار نظرهای اصلاح‌طلبان علیه نظارت استصوابی آغاز شد (نظارت استصوابی بدین معناست که تأیید صلاحیت تک‌تک نامزدهای نمایندگی مجلس، مستلزم تصویب شورای نگهبان است). صریح‌ترین و مفصل‌ترین این اظهار نظرها، مصاحبه مطبوعاتی مهدی کروبی رئیس سابق مجلس و دبیر مجمع روحانیون مبارز، از تشکیل‌های اصلی جناح خاتمی در روز دوشنبه ۲۷ اردیبهشت بود. در حقیقت، اظهارات کروبی که در زمره مهم‌ترین چهره‌های جناح چپ حکومت است، خامنه‌ای را بر آن داشت که تنها به فاصله یک روز به تندی و البته بدون ذکر نام، علیه کروبی

ادامه از صفحه اول

میلیون‌ها نفر از مردم ایران از زبان رئیس‌جمهور خود سخنی در باره نظارت استصوابی شورای نگهبان که موضوع روز مردم ایران است، در اعتراض به لغو راهپیمایی دانشجویان که خودسرانه توسط کمیسیونی از مجلس صورت گرفت، در زمینه لزوم آزادی احزاب، در زمینه معرفی قاتلین نویسندگان آزادی‌خواهان ایران و... نشنیدند. مردم به حق انتظار داشتند که با سخنان رئیس‌جمهور در دومین سالگرد دوم خرداد، گام تازه‌ای به سوی اصلاحات و توسعه سیاسی در کشور برداشته شود. ده‌ها هزار نفر در استادبوم آزادی، هزاران دانشجوی مصمم در پارک لاله و میلیون‌ها نفر ایرانی در سراسر کشور آماده بودند تا از چنین سخنانی قاطعانه پشتیبانی کنند و نیروی خود را در جهت تحقق آن‌ها به نمایش بگذارند. اما متأسفانه در حرف‌های رئیس‌جمهور این انتظار را

صلاحیت کند و آنها ملجایی برای شکایت نداشته باشند.» به گفته کروبی، دخالت فعال شورای نگهبان در انتخابات مجلس، از اولین دوره انتخابات پس از مرگ خمینی، یعنی دوره چهارم آغاز شد. رئیس سابق مجلس که با انتخابات دوره چهارم، از ترکیب مجلس کنار گذاشته شد، می‌گوید علیرغم مراجعات وی و سایر مسئولین مجمع روحانیون مبارز و از جمله خاتمی به خامنه‌ای، شورای نگهبان نزدیک به چهل نفر از نمایندگان جناح چپ در مجلس سوم را از شرکت در دوره چهارم محروم کرد. کروبی افزوده است که در آن هنگام یعنی در سال ۱۳۷۰، برای مجلس چهارم قبل از انتخابات رئیس هم تعیین کرده بودند.

دبیر مجمع روحانیون مبارز، در ادامه تاربخچه‌ای که از سداخه شورای نگهبان در انتخابات مجلس بیان کرد، به این نکته اشاره نمود که تا اواخر چهارمین دوره مجلس، لفظ نظارت استصوابی در قانون انتخابات نیامده بود و تنها در سال ۱۳۷۴ بود که با اصلاح قانون انتخابات توسط اکثریت راست‌گرای مجلس چهارم، نظارت استصوابی به قانون تبدیل شد.

کروبی شورای نگهبان را مستهم کرد که مانند وزارت کشور و ساواک در رژیم شاه، با نظارت استصوابی به دنبال تشکیل مجلس فرمایشی بوده است.

دبیر مجمع روحانیون مبارز یادآور شد که خود جنتی در اسفند ۱۳۷۶ و به دنبال تظاهرات دانشجویان علیه حذف کاندیدهای اصلاح‌طلبان در انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس، در تلویزیون ظاهر شد و مدعی گردید نظارت استصوابی از جانب مجلس به شورای نگهبان تحمیل شده است. به دنبال این سخنان جنتی بود که عبدالله نوری نخستین وزیر کشور دولت خاتمی، سه ماه پیش از استیضاح و برکناری خود، در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد دولت قصد دارد لایحه‌ای را برای لغو نظارت استصوابی به مجلس ارائه دهد. این لایحه پس از برکناری نوری از وزارت کشور، در تابستان گذشته به مجلس ارائه شد و اکنون دولت خاتمی خواهان اولویت در رسیدگی به آن شده است.

سخنان رئیس‌جمهور به انتظارات پاسخ نداد!

دفاع از نظارت استصوابی شورای نگهبان بر استفاده از مجلس کوشید حربه استفاده از «سخنان مقام رهبری» را از دست جناح مخالف بگیرد و گفت: نباید به این سخنان یک‌طرفه نگاه شود. رئیس‌جمهور مدعی شد که ولی‌فقیه همواره دغدغه آزادی را دارد و در هر جا که درباره نگرانی‌های خود صحبت کرده و می‌کند و خواست‌های خود را در پس‌آرزوها نپوشاند.» خاتمی خاطر نشان کرد در جمهوری اسلامی حد آزادی، «مبانی اعتقادی، حقوق و امنیت جامعه است». وی گفت: «هر کسی باید بطور مشخص بگوید که توسعه سیاسی به چه صورت کشور برداشته شود. ده‌ها هزار نفر در استادبوم آزادی، هزاران دانشجوی مصمم در پارک لاله و میلیون‌ها نفر ایرانی در سراسر کشور آماده بودند تا از چنین سخنانی قاطعانه پشتیبانی کنند و نیروی خود را در جهت تحقق آن‌ها به نمایش بگذارند. اما متأسفانه در حرف‌های رئیس‌جمهور این انتظار را

دبیر مجمع روحانیون مبارز، یادآور شد که خود جنتی در اسفند ۱۳۷۶ و به دنبال تظاهرات دانشجویان علیه حذف کاندیدهای اصلاح‌طلبان در انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس، در تلویزیون ظاهر شد و مدعی گردید نظارت استصوابی از جانب مجلس به شورای نگهبان تحمیل شده است. به دنبال این سخنان جنتی بود که عبدالله نوری نخستین وزیر کشور دولت خاتمی، سه ماه پیش از استیضاح و برکناری خود، در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد دولت قصد دارد لایحه‌ای را برای لغو نظارت استصوابی به مجلس ارائه دهد. این لایحه پس از برکناری نوری از وزارت کشور، در تابستان گذشته به مجلس ارائه شد و اکنون دولت خاتمی خواهان اولویت در رسیدگی به آن شده است.

آن شده است.

آن شده است.

آن شده است.

آن شده است.

آن شده است.

آن شده است.

آن شده است.

آن شده است.

آن شده است.

آن شده است.

آن شده است.

آن شده است.

آن شده است.

آن شده است.

آن شده است.

آن شده است.

آن شده است.

آن شده است.

آن شده است.

آن شده است.

آن شده است.

آن شده است.

آن شده است.

آن شده است.

آن شده است.

آن شده است.

آن شده است.

آن شده است.

آن شده است.

آن شده است.

آن شده است.

آن شده است.

آن شده است.

آن شده است.

آن شده است.

تغییر آدرس در اینترنت

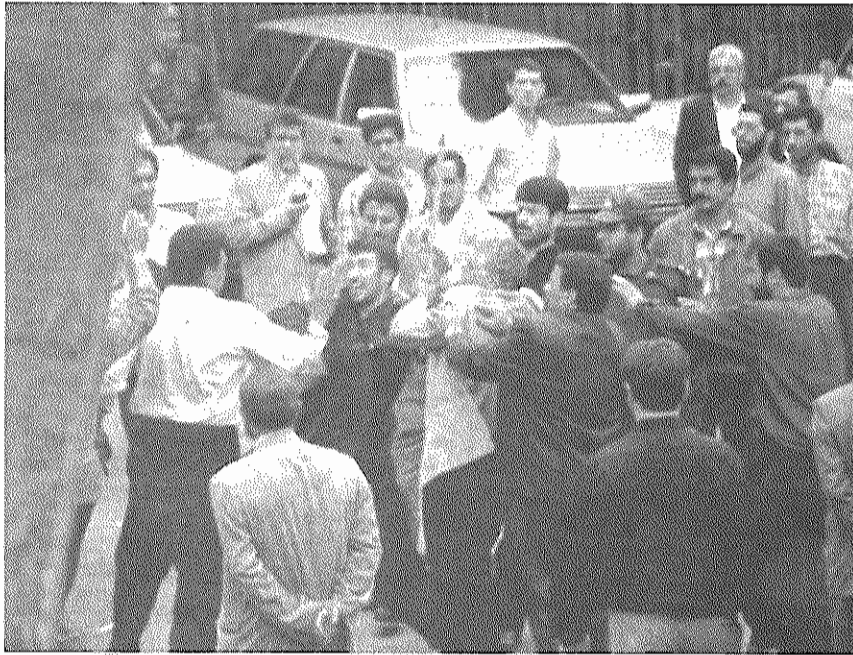
آدرس صفحه سازمان در اینترنت تغییر کرده است. آدرس جدید به قرار زیر است:

http://www.fadai.org



در تظاهرات دانشجویی در دانشگاه تهران، دانشجویان فریاد می‌زدند:

زندانی سیاسی آزاد باید گردد، اسامی قاتلین اعلام باید گردد!



همانگونه که در شماره پیش «کسار» خبر دادیم، در روز یکشنبه ۱۹ اردیبهشت، به دعوت انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌های تهران، تحسن و تظاهراتی در دانشگاه تهران در حمایت از آزادی بیان و اعتراض به بازداشت جت‌الاسلام کدیور برگزار گردید. گزارش دیگری از این تظاهرات را در زیر می‌خوانید:

در گردهمایی اعتراضی دانشجویان که در محاصره نیروهای انتظامی و حملات حزب‌الله برگزار می‌شد، نمایندگان انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌های تهران سخنان کوتاهی ایراد کردند. خجسته‌مهر از دانشگاه تربیت معلم گفت: «ما امروز در حالی در اعتراض به دستگیری یک اندیشمند در این مکان گرد آمده‌ایم که پدران ما در انقلاب ۵۷ تنها و تنها خواستار حق آزادی و اظهارنظر بودند». شهاب پورقاسمی از دانشگاه علم و صنعت گفت: «روابط غیرقابل قبولی دوباره در جامعه باز تولید می‌شود، انحصار اطلاعات و اختیار و طبقاتی شدن جامعه از نشانه‌های سیر این بازتولید است». این دانشجوی افزود: «از دکتر کدیور دفاع می‌کنیم چون صاحب اندیشه است، چون شهروندی حق جامعه است و هر شهروندی حق دارد اظهارنظر کند». افشاری، عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت نیز در این جلسه سخنانی ایراد کرد و از جمله گفت: «به میزانی که استبداد

«ای ایران» و «قسم به اسم آزادی» خاتمه یافت. به نوشته روزنامه آریا، گروه اندکی که شعار می‌دادند «کرباسچی قهرمان آزاد باید گردد»، کوشیدند دانشجویان را با خود همراه سازند، اما دانشجویان تظاهرکننده از تکرار این شعار خودداری کردند. یکی از دانشجویان گفت: در لزوم آزادی کرباسچی تردیدی نیست، اما این که او یک «قهرمان» است، به ویژه پس از مواضع وی در انتخابات خیرگان، بیشتر به یک شوخی می‌ماند!

وجود داشته باشد، مردم از حکومت فاصله می‌گیرند. ما در عرصه دینی نیاز به نوگرایی داریم، قرائت‌های سنتی دیگر پاسخ نمی‌دهند». پس از پایان تحسن که از ساعت ۱۰ صبح تا ۴ بعدازظهر به طول انجامید، دانشجویان در محوطه دانشگاه دست به راهپیمایی زدند. برخی از شعارهای دانشجویان عبارت بود از: «زندانی سیاسی آزاد باید گردد»، «اسامی قاتلین اعلام

سر نوشت خود گام‌هایی برداشته است و با برگزاری انتخابات شورای، بید رنگ پادش خود را از مردم گرفت و شاهد آن بود که چه سان مردم در پایتخت دشمنان آزادی و رفاه را به گوشه انزوا راندند. رئیس‌جمهور در سیاست خارجی مسالمت‌آمیز اقداماتی انجام داده که نیاز بی‌چون و چرای میهن ما بوده و مورد تایید همه آن‌هایی است که برای ایران و بشریت صلح، دوستی، پیمبرقت و امنیت متقابل آرزو دارند. رئیس‌جمهور و اصلاح‌طلبان حکومتی، در مجموع حرکتی رو به جلو داشته‌اند و سمت‌گیری عمومی آن‌ها مثبت بوده است. این یک سو آرزو یابی ما از این نیرو در دو سال حکومت آن‌ها است. اما سویی دیگر این ارزیابی متوجه آهنگ حرکت و پیش از آن حدود اقداماتی است که اصلاح‌طلبان در دستور کار خود گذاشته‌اند.

آقای خاتمی چنان کند و آهسته در حرکت است که حتی بخشی از وفادار ترین یاران وی را نیز نگران کرده است. سخن بر سر این نیست که آقای خاتمی در درون چارچوبی و در همان حال در بالای چارچوبی قرار دارد که او را به بسیاری از کنشگرهای مجبور می‌کند. سخن اصلی آن است که آیا او و بطور کلی اصلاح‌طلبان حکومتی، از حرکت دو ساله خود نیم‌مخته‌اند هر آن‌جا که قاطع در برابر تعرض جبهه ضد دوم خرداد ایستاده‌اند و هر آن‌جا که اراده رای مردم را فروخوانده‌اند بر دشواری‌ها و موانع غلبه کرده‌اند و برعکس هر آن‌جا که خواسته‌اند جنگ در فغان را پیش ببرند، در مانده‌اند؟

مهم‌تر از همه این است که عرصه مبارزه‌ای که اصلاح‌طلبان حکومتی برای خود برگزیده‌اند، محدودتر از آن است که به مسایل اساسی مبارزه دموکراتیک پاسخ دهد. اصلاح‌طلبان حکومتی دو سال است که می‌کوشند زبان گفتگو و تفاهم بیشتر با رقبای خود، دشمنان شناخته شده

سرنوشت خود گام‌هایی برداشته است و با برگزاری انتخابات شورای، بید رنگ پادش خود را از مردم گرفت و شاهد آن بود که چه سان مردم در پایتخت دشمنان آزادی و رفاه را به گوشه انزوا راندند. رئیس‌جمهور در سیاست خارجی مسالمت‌آمیز اقداماتی انجام داده که نیاز بی‌چون و چرای میهن ما بوده و مورد تایید همه آن‌هایی است که برای ایران و بشریت صلح، دوستی، پیمبرقت و امنیت متقابل آرزو دارند. رئیس‌جمهور و اصلاح‌طلبان حکومتی، در مجموع حرکتی رو به جلو داشته‌اند و سمت‌گیری عمومی آن‌ها مثبت بوده است. این یک سو آرزو یابی ما از این نیرو در دو سال حکومت آن‌ها است. اما سویی دیگر این ارزیابی متوجه آهنگ حرکت و پیش از آن حدود اقداماتی است که اصلاح‌طلبان در دستور کار خود گذاشته‌اند.

آقای خاتمی چنان کند و آهسته در حرکت است که حتی بخشی از وفادار ترین یاران وی را نیز نگران کرده است. سخن بر سر این نیست که آقای خاتمی در درون چارچوبی و در همان حال در بالای چارچوبی قرار دارد که او را به بسیاری از کنشگرهای مجبور می‌کند. سخن اصلی آن است که آیا او و بطور کلی اصلاح‌طلبان حکومتی، از حرکت دو ساله خود نیم‌مخته‌اند هر آن‌جا که قاطع در برابر تعرض جبهه ضد دوم خرداد ایستاده‌اند و هر آن‌جا که اراده رای مردم را فروخوانده‌اند بر دشواری‌ها و موانع غلبه کرده‌اند و برعکس هر آن‌جا که خواسته‌اند جنگ در فغان را پیش ببرند، در مانده‌اند؟

دو سال بعد از دو خرداد

ادامه از صفحه اول تبدیل شده است و در اعماق جامعه ریشه دوانیده است و مصمم است تا دست‌یابی به آن چه می‌خواهد از پای نماند. شاخص ترین مشخصه دوم خرداد، دولت برآمده از آن است و از همین رو در ارزیابی از آن چه پیش رفته است و یا می‌باید و می‌توانست پیش رو، باید به سراغ کارنامه آقای خاتمی و اصلاح‌طلبان رفت و عملکرد آن‌ها و کیفیت این عملکرد را سنجید. معیار سنجش عملکرد رئیس‌جمهور و اصلاح‌طلبان حکومتی از نظر ما در آن است که به وعده‌های دوم خرداد تا چه میزان وفاداری نشان داده و چه اندازه در برابر دشمنان اصلاحات مقاومت کرده‌اند. تردیدی نیست که در جنبه اصلاح‌طلبی و دموکراسی، سهم مردم و نیروهایی که با آزادی، توسعه و عدالت و یا دست‌کم بخشی از این اهداف سیاسی و اجتماعی تعریف می‌شوند، جز اعلام حضور سیاسی و عزم خود برای پیش‌برد تحولات، آن هم حضور سیاسی هوشیارانه، نبوده است. آن‌ها در ختنی کردن انواع توطئه‌ها علیه اصلاحات و نیز علیه اصلاح‌طلبان با مقاومت و هوشیاری ایستاده‌اند و بارها اعلام آمادگی کرده‌اند. مردمی که زیر بار طاقت‌فرسای فقر و گرانی کمرشان خم شده است، حتی در دو سال گذشته وضع معیشتی آنان وخامت بیشتری یافته است، تا به امروز در برابر بزرگ سرمدمداران جناح ضد دو خرداد که می‌خواهند با انگشت‌گذاردن بر روی فقر و مشکلات اقتصادی مردم، آن‌ها را به مقابله با توسعه سیاسی و آزادی‌ها بکشانند، فریب نخورده‌اند. نویسندگان، هاسترمندان، روزنامه‌نگاران طرفدار دوم خرداد، در حالیکه

سر نوشت «لایحه» چه خواهد شد؟

روز ۲۶ تیر روزی عطاءالله مهاجرانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام کرد پیشنهاد اصلاح استفاده از ماهواره به دولت داده شده که در صورت تصویب، اشخاص حقیقی نیز می‌توانند از ماهواره استفاده کنند. وی افزود با قانن فعلی که استفاده از ماهواره را برای مردم عادی ممنوع کرده «چندان موافق» نیست و پرسید اگر روزی فن آوری و دانش به نقطه‌ای رسید که نیاز به این ماهواره‌ها نبود، چه باید کرد؟ دو روز بعد از این سخنان، خامنه‌ای در سخنرانی تند خود به این پرسش «پاسخ» داد و اعلام کرد که اجازه نخواهد داد مردم از ماهواره استفاده کنند. وی در پاسخی مستقیم به مهاجرانی گفت: «این خودباختگی است و به جای این کار باید متناسب با پیشرفت تکنولوژی ماهواره‌ای راه‌های جلوگیری از نفوذ ماهواره را شناسایی کنیم و آن را به کار بندیم. بنابر این مسوغیت استفاده از تصاویر ماهواره‌ای که مجلس شورای اسلامی تصویب کرد، یک قانون کاملاً درست و بجاست». اکنون باید دید آقای وزیر لایحه پیشنهادی خود به دولت را پیگیری خواهد کرد یا این بار در برابر «مقام رهبری» دست‌چسار «خودباختگی» خواهد شد؟

دوره‌های تاریخی، که ویژگی کنونی جامعه ماست، بدون مشارکت مستقیم و آزادانه نیروهای آزادی خواه، اگر ناممکن نباشد، دستم کم‌بار و نحیف است که با یک تندباد می‌تواند از دست برود. اگر بیداری و آمدانگی مردم برای رهایی کشور از یوغ یک گروه مرتجع و غارتگر یک روند بازگشت‌ناپذیر است، حفظ هر آن چه که در جریان مبارزه آزادی خواهانه بدست آمده الزاما بازگشت‌ناپذیر نیست. نمی‌توان از جامعه مدنی سخن گفت و مولفه‌های این جامعه را که در مرکز آن حضور احزاب سیاسی مستقل و انواع تشکلهای صنفی بدون آقا بالاسر است، به فراموشی سپرد.

جمع بندی ما از دو سال حکومت آقای خاتمی این است که او همواره یک چشم خود را متوجه رقبای در حکومت کرده است و یک چشم دیگر را به نیروی مردم دوخته است. تا بدینجا قابل درک است، اما آن چه که بدینرقتی نیست، آن است که چشم نظاره گر به مردم، بارها ندیده است ولی چشم متوجه جناح محافظه کار بارها چشم دیگر را همراه خود کرده است. ما از آقای خاتمی انتظار نداریم راهبر ایجاد یک حکومت غیردینی شود، حکومت غیردینی نمایندگان خود را دارد. اما اگر وی بخواند مجری اصلاحاتی باشد که خود قرائت درست از دین می‌داند، باید ابزار و الزامات حکومتی را که به باور خود او تایید چهره‌پوش مردم را داشته باشد، بی‌هیچ تزلزل و درنگی فراهم آورد. حتی آن‌هایی که اهل قرائت از دین نیستند و اهدافی فراتر از خواست‌های اصلاح‌طلبان حکومتی دارند، حرکت او را در این جهت تایید و تقویت خواهند کرد اما چشم بزرگان، کارگری و مردمی، غیرواقعی و دست نیافتنی خواهد بود. خواست‌های بزرگ در

تنها محسن کدیور نیست...

این فکر که هر انسان به صرف برخورداری از حقوق شهروندی معنی برخوردار است و هر شهروند ایرانی فقط به صرف شهروندی، حقوق مدنی معنی دارد، به تدریج در ایران و در میان برخی فعالین، تشکلهای اصلاح‌طلبان اسلامی نضج می‌گیرد. پذیرفتن این اصل مسلم که هر انسان ایرانی صرف نظر از این که چه ایدئولوژی و مذهب و جنسیت و تعلق ملی - قومی و موقعیت اجتماعی - طبقاتی دارد، می‌بایست از حقوق معین و مساوی با دیگران برخوردار باشد، آن نقطه عطف و رمز بنیادی است که یک فرد، تشکل و تفکر را از مدافع آزادی خود و خودی‌ها، به فرد و تشکل و تفکری آزادی خواه و دموکرات فرامی‌رویانند. پذیرش و اعلام چنین موضعی از سوی یک نیروی اصلاح طلب اسلامی، به ویژه در جمهوری اسلامی از اهمیت برخوردار است چرا که از سوی این نیروها تاکنون دفاع صریح و آشکار از حقوق و آزادی‌های مدنی و شهروندی دیده نشده بود و آنچه بود حمایت از تضییقات و سرکوب‌ها علیه مخالفین و منتقدین بود.

در تظاهرات دو هفته پیش دانشجویان «برای حفظ حرمت صاحبان اندیشه و بیان آزادانه افکار و عقاید»، این فکر باصراحت بیشتری مورد تاکید قرار گرفت که: ما از کدیور دفاع می‌کنیم، چون وی یک شهروند ایرانی است و یک شهروند ایرانی حق بیان آزادانه عقاید خود را دارد! تاکید بر چنین حقی از سوی نمایندگان انجمن‌های اسلامی، هم جدید و هم امیدبخش است. بسط و گسترش چنین تفکری در سطح جامعه می‌تواند نیروی دموکراسی در ایران را تقویت کند. اما از پذیرش چنین حقی تا پای بندی واقعی و عمل به آن هنوز فاصله‌ای جدی وجود دارد. آیا نمایندگان انجمن‌های اسلامی دانشجویان که چنین تحسین برانگیزی از حق حجت‌الاسلام کدیور به عنوان یک شهروند ایرانی برای بیان آزادانه اندیشه‌های خود دفاع می‌کنند، به همان اندازه نگران حق سایر شهروندان ایران هستند؟ آیا آنان تاکنون به دفاع از حق صداها شهروند ایرانی که به جرم ابراز عقیده و فعالیت‌های سیاسی در زندان‌های جمهوری اسلامی به سر می‌برند برخاسته‌اند؟ در این زمینه در کارنامه دفتر تحکیم وحدت و انجمن‌های اسلامی وابسته به آن، متاسفانه هنوز موردی وجود ندارد. به عنوان نمونه، هیچ کدام از این انجمن‌ها در مورد سرنوشت نامعلوم علی توسلی که توسط مامورین وزارت اطلاعات آقای فلاحیان از شهر باکو ربوده شد و در زندانی از جمهوری اسلامی به بند کشیده شد، سخنی نمی‌گویند، از اسیرانظام و حقوق انسانی وی دفاعی شایسته صورت نمی‌دهند، سرنوشت ده‌ها و صدها زندانی بی‌نام و بی‌دفاع حساسیت و نگرانی آنان را بر نمی‌انگیزد. آن‌ها بر مصادیق مشخص پایمال شدن حقوق فردی و اجتماعی نیروهای غیروابسته به حکومت تاکید نمی‌کنند.

حجت‌الاسلام کدیور یک شهروند ایرانی است که به جرم ابراز عقاید خود به زندان افتاده است. از حجت‌الاسلام کدیور نباید قاطعانه دفاع کرد، اما حجت‌الاسلام کدیور تنها شهروند ایرانی نیست که به جرم ابراز عقیده به زندان افتاده است. دفاع از او را باید به دفاع از همه زندانیان عقیده در ایران تبدیل کرد. □

عبدالله نوری از سرپرستی «خرداد» کنار می‌رود

گفته می‌شود که عبدالله نوری مدیر مسئول روزنامه خرداد به زودی از مسئولیت خود در این روزنامه کناره می‌گیرد و جای خود را به علی حکمت که به سرپرستی این روزنامه را به عهده دارد، خواهد سپرد. دلیل این جابه‌جایی آن گونه که در تهران شایع است این است که پرونده‌های احتمالی روزنامه

تهران و لندن سفیر رد و بدل کردند

برای نخستین بار در دوران حکومت جمهوری اسلامی، تهران و لندن روابط خود را به سطح سفیر ارتقاء دادند. دو کشور موافقت کردند که کارداران فعلی به عنوان سفیر دو کشور اعلام شوند. به این ترتیب غلامرضا انصاری به عنوان سفیر جمهوری اسلامی در لندن و نیکولاس براون به عنوان سفیر انگلستان در تهران تعیین شدند. انتخاب نیک براون به عنوان سفیر انگلیس در ایران، مورد مخالفت محافل مختلفی در جمهوری اسلامی قرار گرفته است. نیک براون کسی است که پیش از انتخابات ریاست جمهوری با محمود جواد اردشیر لاریجانی از سیاستمداران جناح محافظه کار دیدار کرد و لاریجانی از او خواست که دولت انگلستان را متقاعد سازد از ناطق نوری حمایت کند. این دیدار به ویژه بعدتر مورد مخالفت شدید جناح چپ حکومت قرار گرفت و افشاکاری‌های بسیاری پیرامون آن انجام شد.

نیک براون از سال ۹۰ تا ۹۳ در سفارت انگلیس در واشنگتن

## هزاران دانشجویان از رئیس‌جمهور خواستند به شعارها و وعده‌های خود به ملت پایدار بماند

ادامه از صفحه اول  
راهپیمایی از پراپر دانشگاه تهران تا میدان آزادی برگزار شد. دانشجویان نام این تظاهرات را از «انقلاب تسا آزادی» نهاده و از مردم خواستند با شاخه‌های گل و عکس‌های خاتمی در این راهپیمایی شرکت کنند. تظاهرات دانشجویان علیرغم صدور اجازته از سوی وزارت کشور مورد مخالفت کمیسیون ماده ۱۰ احزاب به سرمداری آقای عسگرآبادی قرار گرفت. در این گردهمایی، شرکت‌کنندگان از خاتمی خواستند به شعارها و وعده‌هایش در خرداد ۱۳۷۶ وفادار بماند. شرکت‌کنندگان تصریح کردند: دوم خرداد حاصل کار خاتمی نیست، بلکه او خود محصول دوم خرداد است. یکی از مسئولان دفتر تحکیم وحدت در سخنان خود از کمیسیون ماده ۱۰ به دلیل عدم صدور اجازته

## روزنامه صبح امروز: آیا محفل بزرگ تری در کل کشور جنایات را سازمان نمی‌دهد؟

روزنامه صبح امروز در مقاله‌ای پیرامون دو «پرونده ملی» قتل نویسندگان و آزادی‌خواهان کشور و همچنین شکنجه شهرداران توسط سردار نقدی و عوام‌لش، از «احتمال» وجود یک «محفل» در سطح کشور که این جنایات به دستور آن صورت می‌گیرد خبر داد و نوشت: «اگرچه این دو پرونده از دو سنخ متفاوت هستند، اما یک ویژگی مشترک آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد. در هر دو پرونده عده‌ای برای دستیابی به اهدافی که مقدس و بارز است می‌شمرده‌اند، روش‌های مرسوم و قانونی را غیرکارآمد یافته و کوشیده‌اند تا از روش‌های

## کارنامه اقتصادی دولت آقای خاتمی

کارنامه دولت خاتمی در عرصه اقتصادی مثبت نیست. در انتخابات دوم خرداد، مسایل اقتصادی در برنامه آقای خاتمی جای مهمی نداشت و تأکیدات او عمدتاً بر مسایل سیاسی، فرهنگی و قانون‌گرایی بود. در بخش اقتصادی برنامه خاتمی، تنها به سمت‌گیری‌های خیلی عمومی اشاره شده بود. به عنوان نمونه: «در توسعه اقتصادی تأمین زندگی شرافتمندانه برای همه بویژه اقشار محروم و مستضعف که همان اصل کفاف است، تکیه بر تولید ملی و به کارگیری همه توان‌ها و امکانات کشور، استفاده از فرصت‌های بین‌المللی، تداوم سازندگی اقتصادی کشور، کنترل تورم و حمایت از قشرهای آسیب‌پذیر، اهتمام به امر اشتغال بویژه اشتغال جوانان موردنظر است» و همچنین: «استقلال اقتصادی، ساختن زیرساخت‌های جاده، تقویت تولید در جامعه، فراهم آوردن امنیت برای سرمایه‌های ملی برای سرمایه‌گذاری، بالا بردن توان نیروی انسانی و مهارتی جامعه».

خاتمی در جریان انتخابات ریاست جمهوری برنامه روشن و مشخصی برای غلبه بر بحران اقتصادی ارائه نکرد و برنامه تعدیل اقتصادی دولت رفسنجانی را مورد نقد قرار نداد. مبهم و ناروشن بودن برنامه و سیاست‌های اقتصادی وی، در معرفی اعضای کابینه آشکارتر شد. او از یکسو مناصب کلیدی اقتصادی کشور را به دست کسانی سپرد که نقش اصلی را در پیشبرد برنامه تعدیل اقتصادی بعدی داشتند و از سوی دیگر یکی از هواداران سیاست‌های اقتصادی دولت موسوی را در راس وزارت اقتصاد و دارایی گمارد. یعنی در راس مناصب اقتصادی کسانی را گذاشت که دارای دیدگاه‌های متفاوت بوده و دو سمت‌گیری متفاوت در کابینه موسوی و رفسنجانی پیش برده بودند. با این انتخاب، پایه کشمکش و جدال در کابینه ریخته شد که تا امروز نیز ادامه یافته است.

در عین حال خاتمی وارث اقتصادی بود که بر اثر برنامه تعدیل اقتصادی به مرحله بحران حادی رسیده بود. رفسنجانی اقتصادی را تحویل خاتمی داد که با رکود شدید و تورم تازه، ده‌ها هزار طرح نیمه‌تمام و پرخرینه و انکاراً غیراقتصادی، پیش از ده میلیارد دلار قرضه خارجی، کاهش شدید سطح زندگی مردم، لشکر عظیم بیکاران، غول بوروکراسی که بخش اعظم بودجه دولت را می‌بلعد، فساد بی‌سابقه، بخش تجاری و دولتی متورم و بخش صنعتی ضعیف همراه بود.

همزمان با روی کار آمدن دولت خاتمی، قیمت نفت نیز در بازارهای جهانی کاهش چشمگیری یافت و اقتصاد تک محصولی ایران که به دلارهای نفتی شدیداً وابسته است، متحمل صدمات شدیدی شد بگونه‌ای که به کاهش منابع ارزی کشور، کسری بودجه سالانه، کاهش واردات، عدم امکان تأمین نیازهای ارزی واجدهای تولیدی کشور منجر گردید. طرح مساله «ثروت‌های بادآورده» دستگیری و محاکمه شهردار تهران و ایجاد تنش در فضای سیاسی کشور توسط جناح ارتجاعی حکومت، به تشدید رکود در بخش‌های اقتصادی کشور و به ویژه بخش ساختمان منجر شد و به امنیت اقتصادی و سرمایه لطمه زد و موجب فرار سرمایه‌ها از کشور گردید. به نوشته روزنامه‌ها، حدود هزار شرکت ایرانی با سرمایه‌های قابل توجه تنها در یک سال اخیر در دویسی به ثبت رسیده است.

اکنون اقتصاد کشور با بحران حاد و کم‌سابقه‌ای روبرو است که تنها با بحران سال‌های ۶۵-۶۷ قابل مقایسه است. هم رکود شدید و هم تورم بر اقتصاد کشور حاکم است. تداوم سیاست‌های انقباضی، کاهش درآمدهای ارزی، کمبود نقدینگی و کاهش قدرت خرید مردم موجب شده است که تولیدات صنعتی به شدت کاهش یابد و بسیاری از واحدهای تولیدی بزرگ و کوچک تعطیل شوند. رکود صنایع کشور به حدی رسیده است که بسیاری از واحدهای تولیدی از پرداخت حقوق و دستمزد کارکنان خود ناتوان شده‌اند. اخراج کارگران از کارخانه‌ها در ابعاد وسیع ادامه دارد، میزان بیکاری بطور شتابناک بالا می‌رود، ارزش ریال در مقابل ارزهای خارجی مداوماً در حال سقوط است.

در شرایط کنونی بار اصلی بحران اقتصادی به دوش اقشار کم درآمد جامعه است. در سال‌های اخیر سطح زندگی اقشار زحمتکش جامعه بشدت کاهش یافته و از قدرت خرید آن‌ها بطور محسوس کاسته شده است. هم‌اکنون اکثریت مردم ما زندگی در دناک و فلاکت‌باری را می‌گذرانند و با فقر فزاینده دست و پنجه نرم می‌کنند. دولت در یک سال اول حکومت خود، فاقد راهبرد کوتاه و بلند مدت اقتصادی بود. بعد از گذشت یکسال، خاتمی مسئولین اقتصادی را موظف کرد که طرح «سامان‌دهی اقتصادی کشور» را تدوین نمایند. طرح تهیه شده به جهت وجود گرایش‌های متفاوت مسئولین اقتصادی کشور یکدست نبود. این طرح ضمن برشمردن موانع رشد اقتصادی، سمت‌گیری عمومی بسامان کردن اقتصاد کشور را خاطر نشان کرده بود، ولی این طرح فاقد خصصت برنامه‌ای بود و به سیاست‌های اقتصادی دولت تبدیل نشد. مدتی است که تدوین برنامه سوم توسعه اقتصادی در دستور قرار گرفته است. این برنامه اخیراً از سوی خاتمی برای اجرا به دولت خاتمی ابلاغ شده است. اما این برنامه به جای آن‌که برنامه‌ای برای رفع مشکلات باشد، برنامه‌ای است برای عوام‌فریبی و جلب اعتماد مردم به «عدالت‌طلبی» حکومت.

دو سال اخیر در عرصه اقتصادی سردرگمی، سیاست‌های روزمره و بدون چشم‌انداز روشن حاکم بوده است. نبود برنامه اقتصادی، تعدد مراکز تصمیم‌گیری و تداوم کشمکش مسئولین اقتصادی کشور و سنگ‌اندازی‌های جناح حاکم موجب می‌شود که بحران اقتصادی مداوماً حدت یابد و زندگی مردم هر چه بیشتر به فقر و فلاکت گراید. بسیاری از آگاهان وجود بی‌برنامگی و سیاست‌های متناقض در دولت را به آن مربوط می‌دانند که در دولت اراده لازم برای تغییر وضعیت اقتصادی مردم و کشور که نخستین قدم آن، درافتادن با قدرت اقتصادی جناح محافظه کار است، وجود ندارد.

دولت خاتمی در دو سال حکومت خود در عرصه اقتصادی به اقدام جدی و کارساز دست نزده است. برهم بودن و فوریت برنامه توسعه سیاسی و فرهنگی مورد تردید نیست، اما مسایل اقتصادی نیز از چنان اهمیت و فوریتی برخوردار است که اگر هرچه سریعتر اقدامات قاطع و ضربتی با برنامه کوتاه و میان مدت برای مهار بحران اقتصادی و غلبه بر رکود اقتصادی تدوین نشود، می‌تواند به بحران سیاسی فراگیر فراروید. مردم نمی‌توانند سال‌ها شاهد تشدید فقر و فلاکت خود باشند و تنها به وعده‌های خاتمی دل خوش کنند و به اعتراض برنخیزند. □

## روزنامه خرداد: ایران در آستانه انفجار بود

روزنامه خرداد در مقاله‌ای پیرامون ضرورت لغو نظارت استصوابی شورای نگهبان نوشت پیش از انتخابات دوم خرداد، ایران در آستانه انفجار قرار گرفته بود. این روزنامه نوشت: «در نتیجه مجموعه رفتارهای چند ساله که معلول پیشی‌یافتن نظارت استصوابی را خلق کرد، روند انفجار آمیزی شکل گرفت که ایران را در هم به

## طنز

ابراهیم نبوی، به نقل از روزنامه «آریه»  
در پی اظهار تاسف آقای هاشمی در مورد زندانی شدن آقای کرباسچی، رئیس‌جمهور نیز با اظهار تاسف به ایشان پیوست. پیشنهاد می‌شود کلیه جناح‌های اظهار تاسف‌کننده، در یک ائتلاف گسترده گرد هم آمده و عمیقاً اظهار تاسف کنند.  
برنامه پیشنهادی برای آزادی کرباسچی:  
۱. کلیه مسئولان کشور به نشانه اظهار تاسف روزانه یک دقیقه آه بکشند.  
۲. کلیه مسئولان اجرایی برای اعتراض عمیق به زندانی شدن کرباسچی، قبل از خواب خمیازه کشیدن را فراموش نکنند.  
۳. کلیه مسئولان اجرایی که در دوران سازندگی دست به دست کرباسچی داده بودند، به جای این که دست روی دست بگذارند، دست روی پا بگذارند.  
۴. کلیه مخالفان کرباسچی در یک اعتراض سبز در ساعات مختلف روز به نواحی اطراف اوین از جمله درکه، شهر بازی و غیره رفته و در آنجا چغاله‌بادام و گوجه سبز بخورند.  
۵. پیش‌بینی می‌شود که در صورت انجام امور فوق کرباسچی حتماً آزاد شود.

بنیاد مستضعفان  
یکی از روزنامه‌ها پیشنهاد کرده است که بنیاد مستضعفان را بدهند به دولت. آگاهان معتقدند که ممکن است دولت را به بنیاد مستضعفان بدهند ولی هرگز بنیاد مستضعفان را به دولت نمی‌دهند.

کاواکچی  
بالاخره بر مطلق‌گرایان خودمان هم اثبات شد که نسبی‌گرایی اجتناب‌ناپذیر است. مثلاً نگاهی به تصویر خانم کاواکچی خودمان بکنید، این بانوی محترم که ظاهراً زنان ایرانی هم از او حمایت کرده‌اند، اگر با همان لباس که در پارلمان ترکیه نمی‌تواند حاضر شود در بین همین زنان ایرانی تظاهرات‌کننده حاضر می‌شد بلایبی سرش می‌آوردند که دیگر بدحجابی نکنید. ضمناً خانم کاواکچی اخیراً گفته است: «موضوع داشتن حجاب نیست، بلکه قضیه آزادی به مفهوم کلی آن در ترکیه است»  
سوال هفته: شما فکر می‌کنید اصول‌گرایی چه ربطی به فرصت‌طلبی دارد؟

پشت‌برده  
فایزه هاشمی گفت: سیاست‌های موثر هاشمی رفسنجانی پشت‌برده انجام می‌شود. پیشنهاد ۱: کرباسچی را از پشت میله به پشت پرده منتقل کنند. پیشنهاد ۲: روزنامه‌ی زن در پشت پرده منتشر شود. □

## مروه کاواکچی عصبانی است!

در ایران زنان حزب‌اللهی برای مروه کاواکچی نماینده زن ترکیه که به دلیل داشتن حجاب، از ورود او به پارلمان جلوگیری شد و سپس تابعیتش نیز لغو گردید، سنگ تمام گذاشتند و تظاهرات متعددی به راه انداختند و فایزه هاشمی از سوی زنان ایرانی برای او پیام فرستاد و... اما پاسخ این نماینده زن به این حمایت‌ها غیرمنتظره بود. به نوشته روزنامه خرداد، مروه کاواکچی در یک گفتگو با روزنامه‌نگاران گفته است: «حمایت زنان چادری ایرانی مرا به شدت عصبانی کرده است. این که در کشوری مثل ایران که چیزی به نام آزادی در آن وجود ندارد، در حمایت از من تظاهرات بشود، مرا عصبی می‌کند.» □

## معاون سابق مطبوعاتی وزارت ارشاد در دادگاه

دادگاه انقلاب توقیف شده است، به منظور حضور در جشنواره مطبوعات که دو هفته پیش در تهران برگزار شد، می‌باشد. سحرخیز موافقت کرده بود که روزنامه زن به مناسبت جشنواره مطبوعات یک ویژه‌نامه منتشر کند. این ویژه‌نامه منتشر شد و در غرقه روزنامه زن در محل جشنواره مطبوعات توزیع شد. ماموران انتظامی بعد از اطلاع از انتشار این ویژه‌نامه، به محل جشنواره مراجعه کرده و به بهانه حکم دادستانی، غرفه روزنامه

## اگر در نیمه راه پشیمان نشوید...!

فایزه هاشمی: محبوبیت کارگزاران بعد از شرکت در انتخابات خبرگان کاهش یافت

خانم فایزه هاشمی از رهبران کارگزاران سازندگی، در یک مصاحبه مطبوعاتی پذیرفت که شرکت کارگزاران در انتخابات مجلس خبرگان، باعث کاهش محبوبیت این حزب شده است. وی گفت: من کم شدن محبوبیت کارگزاران بعد از این واقعه را تکذیب نمی‌کنم، ولی متأسفانه این مطلب مصالحه از طرف دوستان ما در ائتلاف بیان شد در حالی که صحت نداشت و در نهایت توطئه‌ای بود که کارگزاران قربانی شدند.»

«مطلب مصالحه» را هیچکس به کارگزاران نسبت نداده است، آن‌ها خود آن را جزئی از سیاست و تاکتیک‌های خود عنوان کرده‌اند و گفته‌اند که می‌کوشند نقش واسطه را بین دو جناح محافظه کار و چپ حکومت ایفا کنند و دبیر کل این حزب آقای غلامحسین کرباسچی این موضوع را در مصاحبه با روزنامه همشهری کاملاً تویزیه کرد. و آن چه که به ویژه به این «مطلب» دامن زد، آن بود که سیاست کارگزاران در واقع یک شبه عوض شد و آن‌ها به مدافعین دوآتشه شرکت در انتخابات خبرگان بدل شدند!

البته کارگزاران سازندگی نمی‌توانند به مردم توضیح دهند کدام یک از اهدافی که آن‌ها برای شرکت در انتخابات مجلس خبرگان ردیف کرده بودند، مستحق شده است؟ آن‌ها نمی‌توانند توضیح دهند کجا رفته است آن وعده‌هایی که در آستانه این انتخابات داده می‌شد و سخن‌هایی که از نظارت فعال خبرگان بر رهبری، گزارش‌دهی به موقع به مردم و... گفته می‌شد. زیرا آنان در این مجلس در واقع کاره‌ای نیستند و نشی بیشتر از

به نوشته روزنامه‌های چاپ تهران، عیسی سحرخیز معاون سابق مطبوعات داخلی وزارت ارشاد به دادگاه احضار شده است. سحرخیز پیش از احضار به دادگاه، از سمت خود در وزارت ارشاد برکنار شده بود. دلیل برکناری وی و احضارش به دادگاه موافقت وی با انتشار ویژه‌نامه روزنامه زن، که توسط



## علیه خشونت بر کودکان!

قوانین جمهوری اسلامی کودک جنسی است که تحت مایملک پدر و جد پدری قرار دارد. کودک آزاری و خشونت علیه کودکان، شاکسی عمومی ندارد. فجاج بیشماری به سبب نداشتن شاکسی خصوصی به گور سپرده می شود. خشونت علیه کودکان به اشکال وسیع و مختلفی رواج دارد. برای مبارزه با کودک آزاری و بی حقوقی کودک ابتدا بایستی این اصل اولیه را در دستور قرار داد: کودک حق دارد که از حقوقش دفاع شود - به عبارتی دیگر جامعه در نقش شاکسی عمومی، وظیفه مبارزه برای حقوق کودک را بعهده می گیرد.

خشونت و کودک آزادی اشکال مختلف دارد. از جمله آنها این موارد می باشد:

سن بلوغ برای کودکان برخلاف تعاریف شناخته شده بین المللی برای دختران ۹ و برای پسران ۱۵ سال تعیین شده است. با این تعریف کودکان ب خاطر جرم هایی که مرتکب می شوند همانند بزرگسالان مجازات می شوند.

با تحمیل حجاب برای دختران خردسال، عملا از آنها روحیه شادی و تحرک گرفته می شود. با ممنوعیت تحرک و ورزش کودکان و جداسازی جنسی و با ممنوعیت عملی کودکانه زندگی کردن، یکباره آنان را به دنیای بزرگسالان پرتاب می کنند.

سواستفاده جنسی از کودکان دختر. با پائین بودن سن ازدواج و با ازدواج دختران خردسال عملا سواستفاده جنسی از کودکان مجوز حقوقی

می یابد. کار کودکان. در آمارهای رسمی دولتی کودکان شاغل از ده سال به بالا در آمارهای اشتغال همراه بزرگسالان جمع زده می شوند. بدین ترتیب نه آمار دقیقی از کودکانی که بجای درس و مشق ساعت های طولانی روز را در کارگاه های قالی بافی و یا در کارگاه های دیگر به کار اشتغال دارند، وجود دارد و نه حمایتی از آنها می شود. کودکان رسماً و قانوناً استثمار می شوند.

کودک آزاری در محیط خانواده. قوانین و سیستم قرون وسطایی قضایی جمهوری اسلامی خشونت بر کودک در محیط خانواده را امری خصوصی می انگارد. آنجا که با تکیه بر

اول ژوئن روز جهانی کودک است، این مناسبت انگیزه های است تا تضییقات علیه کودکان و حقوقشان نظیر استثمار کودکان، کار کودکان، سواستفاده جنسی از آنان، برخوردار نبودن از حقوق اولیه مانند آموزش و بهداشت، را بار دیگر مورد توجه قرار داد.

کودکان در شرایطی نیستند که از حقوق خود دفاع کنند. این امر بعهده جامعه است که این حقوق را بشناسد و بشناساند و از آن دفاع کند.

در کشور ما فجاج ترین شکل بی حقوقی کودکان، خشونت است که بر آنان روا می شود. خشونت علیه کودکان در ایران نه تنها شکل متعارف هر کشور دیگر را دارد، بلکه از طریق قوانین رسمی مشروعیت می یابد و به اجرا گذاشته می شود. این خشونت از تحمیل های مختلف فرهنگی تا قوانین قرون وسطانی را شامل می شود. در

قوانین نیم بند نیز امکان پیگیری وجود دارد. قاضیان این سیستم قضایی که نه با تکیه بر مدرن ترین شناخت ها و درک ها از شخصیت کودک، بلکه بعنوان کالای متعلق به والدین به کودکان می نگرند، راه پیگیری را سد می کنند. دفاع از کودکان در برابر خشونت خصوصی و دولتی در شرایط فعلی از طریق مبارزه مطبوعاتی علیه این خشونت ها و تشکیل نهادهای دفاع از حقوق کودک می تواند دنبال شود. این مبارزه می تواند متوجه برای تغییر و اصلاح قوانینی باشد که خشونت علیه کودکان را رسمی و قانونی ساخته اند، می تواند علیه فرهنگی باشد که کودک را فاقد هر حقی می شناسد و بالاخره می تواند متوجه شرایط اجتماعی و اقتصادی باشد که کودکان را از درس و مشق و حتی محیط خانواده جدا می کند و به دنیای بی رحمانه کار و سوداگری می کشاند.

## حتما ما دیده اید من یک کودک خیابانی هستم!

به نقل از روزنامه صبح امروز

و به سرگروه هایی که وی با آنها در ارتباط است، دستورها و برنامه هایی را جهت اجرا در سطح شهر ابلاغ می کند.

### چرخه شوم تبهکاری

در گزارشی که یونسف در سال ۷۷ درباره بچه های خیابانی در سطح شهر تهران تهیه کرده، یکی از مهم ترین خطراتی را که حیات و آینده بچه های خیابانی را تهدید می کند، افتادن در دام تبهکاران و بزرگسالان سازمان یافته ای ذکر کرده است که آنان را برای جیب بری، دزدی، فروش مواد مخدر و یا رسیدن به هدف های پلیدشان مورد سوءاستفاده بدنی و جنسی قرار می دهند.

کودکان بی سرپناه و بی سرپرست و یا بدسرپرست لقمه های آماده ای هستند که خیلی زود از طریق باندهای تبهکاری جذب و طی دوره های کارآموزی که در این باندها به آنها آموخته می شود با دنیای تبهکاری آشنا می شوند و آن چنان مورد سوءاستفاده های بدنی و جنسی قرار می گیرند که امید بازگشت آنها به یک زندگی سالم تقریباً محال می گردد.

اگر این کودکان تا قبل از گرفتار آمدن در دام این باندهای مخوف تنها از بی سرپناهی رنج برده و آرزوهایشان در حد ادامه تحصیل، داشتن خانواده و خوردن غذای کافی و یا سرپناه بود، بعد از افتادن به دام باندهای تبهکاری تبدیل به نیروهای ضدا اجتماعی می شوند که حاضرند دست به کارهای جورانه تری از جمله جیب بری، ماشین دزدی، سرقت از منازل و فروش مواد مخدر و یا تصاحب همه پول های دنیا بزنند. کارهایی که تا قبل از این حتی فکرش را هم نمی کردند.

شخصیت و انسانیت این دسته از بچه ها به شدت مورد تعرض قرار می گیرد. آنها طی مدت ها در مقابل انواع تحقیرها و شکنجه های جسمی و روحی قرار می گیرند. روح لطیف کودکان بی رحمانه لگدمال می شود تا از آن هیولای تبهکاری بیرون بیاید.

این کودکان با انجام روزانه تقریباً ۱۲ ساعت کار، ثروت های کلانی را نصیب صاحب کاران خود می کنند. این صاحب کاران هر چند هیچگاه به چشم نمی آیند، ولی بر گروه کودکان خود کاملاً تسلط دارند. این صاحب کار است که میزان فروش روزانه را تعیین می کند و کودک ناچار است تا پایان روز به این حد تصاحب دست یابد و در نتیجه با اصرار زیاد اجناس خود را به مشتری عرضه می کند. در غیر این صورت تمام روز و تمام شب گرسنه خواهد ماند.

صاحب کاران همچنین درصد معینی از درآمد بچه ها را اضافه بر سهمی که دارند به عنوان حفاظت از آنها در مقابل بزرگسالان دیگر یا ماموران شهرداری و پلیس به خود اختصاص می دهند و در پایان آنچه باقی می ماند، صرف پرکردن شکم گرسنه این کودکان می شود. (۱)

### مسئول کیست؟

جالب است بدانید که هنوز هیچ سازمان، نهاد، بنیاد و یا مرکز دولتی یا غیردولتی مسئولیت مستقیم جمع آوری و اصلاح کودکان خیابانی را به عهده نگرفته است. آن دسته از کودکان خیابانی که به جهت ایجاد سد ممبر یا گدایی و یا انجام جرم و تخلف توسط ماموران نیروی انتظامی دستگیر می شوند، پس از تشکیل پرونده به دادگاه اطفال و اداره سرپرستی

مقاله ای که در زیر می خوانید، گزارشی که در روزنامه صبح امروز به چاپ رسیده است و چهره دیگری از فقر و تنگدستی در کشور ما را که به پیدایش پدیده «کودکان خیابانی» انجامیده است، مورد بررسی قرار داده است. به مناسبت روز جهانی کودک این گزارش را برگزیده ایم که با اندکی اختصار در زیر می خوانید

### آمار نداریم پس مشکل نداریم!

ما در کشور خود عادت نداریم تا آمار دقیق و حسابی از معضلات اجتماعی داشته باشیم. فکر می کنیم نبود آمار یعنی نبود مشکل. یکی از این معضلات کودکان خیابانی است. در مورد تعداد این کودکان حدس و تخمین هایی زده شده، اما در حد یک حدس، عده ای آنها را ۲۰۰۰۰ یا ۳۰۰۰۰ برآورد کرده اند. اما رقم هر چه باشد، یک چیز غیرقابل انکار است و آن اینکه تعداد آنها در طول ۴ الی ۵ سال اخیر به طرز نگران کننده ای رو به افزایش نهاده است.

علل بسیاری ممکن است کودکی را به خیابان بکشاند. فقر، مهاجرت، بی سرپرستی، بد سرپرستی، معلولیت یا فرار از محیط خانه. هر کدام از این علل می تواند پای کودکی را برای یافتن کار به خیابان باز کند. تاکید ما در این گزارش بیشتر بر تشکیلات و باندهای تبهکاری است که به انواع مختلف از این دسته کودکان سوءاستفاده کرده و چشم انداز اصلاح و شکل گیری زندگی سالم آینده را برای آنان کدر و یا محال می سازد.

### باندهای مافیایی!؟

شاید شما نیز در یافته باشید که تقریباً تمامی کودکانی که در سطح شهر تهران به گوندهای به گدایی مشغولند، در طول روز اجناس یکسان با قیمت های یکسان را برای فروش عرضه می کنند.

فروش آدامس، شکلات، گل و یا برچسب زخم به طور همزمان، حکایت از وجود دسته جات و سازمان هایی است که بر فعالیت این کودکان نظارت داشته و آنها را جهت می دهند.

کارشناسانی که در این زمینه تحقیق کرده اند می گویند: فروش اجناس یکسان یا پراکندگی کودکان در مکان های خاص از جمله میادین پر رفت و آمد، نشان دهنده وجود دسته هایی است که در پشت این قضایا به سازماندهی این کودکان مشغول هستند. آنان این سازمانها و تشکیلات را چیزی شبیه تشکیلات مافیایی می دانند. باندهایی که در آن رعایت سلسله مراتب به شدت اعمال می شود، زیرا بر اساس تحقیقاتی که از تعدادی از این بچه ها به عمل آمده، هیچ یک از آنها به جز سرکرده گروه خود، کس دیگری را نمی شناسند. یکی از مددکاران که در این زمینه پرس و جوهایی را انجام داده است، گفت: این کودکان به گروه های مختلف تقسیم می شوند. برای هر گروه سرگروهی تعیین می شود و بچه ها جز با سرگروه خود با فرد دیگری در ارتباط نیستند. هر سرگروه نیز با سرگروه بالاتر خود در ارتباط است. فقط چندتایی از کهنه کاران و معتمدین هستند که با رئیس اصلی در ارتباط بوده و او را می شناسند. او می افزاید من بعد از مدتی پیگیری به یکی از شاخه های اصلی رسیدم. وی یکی از افراد مشمول و بانفوذ شهر است که هر روز صبح با ماشین آخرین مدل خود بر سر قرارها حاضر شده



می گفت فعلا از عاقبت این امر چندان مطلع نیستیم ولی امیدواریم باعث شود تا بالاخره نگهداری کودکان خیابانی متولی واقعی خود را بیابد.

### خانه سبز کجاست؟

در خبرها داشتیم که خانه سبز توسط شهرداری جهت نگهداری کودکان خیابانی از فروردین سال ۷۸ فعالیت خود را آغاز خواهد کرد. با شوق و ذوق راه خانه سبز را در پیش گرفتیم. با این اندیشه که بالاخره شهرداری پاسخی داشته و مرد و مردانه آستین ها را بالا زده و امر نگهداری از کودکان خیابانی را عهده دار شده است. اما جواهرهای خانه سبز هنوز تا سبزی راه طولانی در پیش دارد!

خانه سبز ساختمان ۴ طبقه با حیاطی کوچک و پارکینگ و سایر امکانات در یکی از کوچه های خیابان لارستان، حدود ۱۲ پسر بچه ۹ تا ۱۷ ساله را در خود جای داده است. آقای جانتلی مسئول خانه سبز می گوید: اینجا مکانی است موقتی برای نگهداری کودکان خیابانی که سه دسته هستند که با خانواده های خود به سر می برند یا بی خانواده و بی سرپرست هستند و یا بدسرپرست. خانه سبز در رابطه با نگهداری و

طبقه بندی کودکان خیابانی فعالیت می کند. اکیپ هایی در خانه سبز هستند که پس از جمع آوری، آن دسته از کودکانی را که باید به شهرستانها یا خانواده های خود برگردند توسط نیروهای مستقر در این مرکز شناسایی و به خانواده ها تحویل داده می شوند. گروهی هم بی سرپرست هستند که باید به مراکز شبانه روزی بهزیستی تحویل داده شوند. او می گوید: در نهایت عده ای از بچه ها در خانه سبز می مانند که در زمره بی سرپرستان خواهند بود و بهزیستی نیز از پذیرش آنها در مراکز شبانه روزی ممانعت به عمل می آورد. آقای جانتلی می گوید آمار خانه سبز پیوسته متغیر است. در حال حاضر گنجایش ۶۰ کودک را دارد و پیش بینی می شود در سال این مرکز قادر باشد از ۱۴۰۰ تا ۱۵۰۰ کودک خیابانی را پذیرش و ترخیص کند.

این که این مرکز در تحقیق برنامه های خود تا چه حد موفق باشد، مسلماً نیاز به برنامه ریزی و همکاری سایر بخش ها دارد. در حال حاضر تعداد بچه های مستقر در این مراکز بسیار اندک است و تحت هیچ آموزشی نیز قرار نمی گیرند و این تنها پسران هستند که از امکانات این مراکز بهره مند می شوند.

### ریشه را باید خشکاند

مددکارانی که با بچه های خیابانی سر و کار دارند معتقدند، این بچه ها از آنجایی که تحت آموزش باندهای تبهکاری قرار دارند، معمولاً به سختی آموزش پذیرند. جواب هایی که به سوالات می دهند معمولاً دروغ است. آنان واقعیات را کتمان می کنند و کار را برای حل مشکلاتشان سخت تر می کنند. آنها مترصد فرصتی هستند تا دوباره به خیابان به نزد باندهایی که به آن تعلق داشتند بازگردند.

به نظر می رسد قدم اول در حل مشکل بچه های خیابانی خشکاندن ریشه های باندهای تبهکاری باشد که به جهت وجود شیوه های غیرانسانی برخورد با بچه های خیابانی آنان را تبدیل به موجوداتی که در عرصه خلاف های اجتماعی حاضرند تا ته خط برون از هیچ نمی ترسند و هیچ چیز ندارند که از دست بدهند. نیروهایی هستند که عده ای را به ثروت های کلان می رسانند اما خود در مجموعه حیات اجتماعی اگر زنده بمانند و بیوس های خطرناکی هستند که به شدت ویرانگر خواهند بود.

### کارشناسان معتقدند:

۱. قوه قضاییه یکی از قوایی است که باید وارد صحنه شود و با باندهای مافیایی برخورد کند. دستگیری و تلاش این باندها باید هدف اول قوه قضاییه در جهت حمایت از بچه های خیابانی باشد.
۲. دولت و سازمان های حمایتی دولتی باید به طور گسترده خواهان حمایت از کودکان خیابانی باشند و ضمن برخورد با باندهای تبهکاری از امکانات خود در مراکز حمایتی جهت جمع آوری و اصلاح کودکان خیابانی حداکثر استفاده را بنمایند. در غیر این صورت: دختر یا پسر، بی سرپرست یا بی سرپرست در بهزیستی یا در خانه سبز یا در خیابان، روز به روز شاهد افزایش آمار کودکان خیابانی و کودکان بزهکار و افزایش آمار کودکان در کانون اصلاح و تربیت خواهیم بود که سلامت جامعه و امنیت آن را شدیداً تهدید خواهند کرد. اتوسا راوش

گزارش یونسف از وضعیت کودکان خیابانی در تهران سال ۱۳۷۷











رفقای گرامی، در شماره ۲۰۵ مورخ ۲۵ فروردین «کار» در صفحه با خوانندگان زیر عنوان «دو صد گفته چون نیم کردار نیست» از جانب رفقا عباس - بهروز از هلند، طرحی پیشنهاد شده بود که مرابه نوشتن این نامه واداشت. بحث در باره عوامل دوری حزب و سازمان را که مجال بیشتری می‌طلبد، اگر عمر و فاکرد، به بعد موکول می‌کنم. اما اشاره‌ای کوتاه به چند نکته ضروری به نظر می‌رسد.

این رفقا بدستی نوشته‌اند که یکی از دلایل طرح این بحث، رخدادهایی سال گذشته کشورمان و تشابه آن با سال‌های ۱۳۳۰ در دوران دولت دکتر مصدق است. نویسنده این نامه که خود در سال‌های ۳۰ فعالیت حزب توده ایران بود، شاهد و ناظر مشی چپ‌روانه حزب در حمله به دکتر مصدق و جبهه ملی تا مقطع ۳۰ تیر سال ۳۱ و پس از آن با درک واقعیت و تغییر سیاست حزب، در جهت حمایت از دولت دکتر مصدق تا کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ بوده است. اسناد و مدارک منشور از جانب حزب در این رابطه درس تاریخی و تجریمی گرانبهایی است که هرگز نباید آن را فراموش کرد.

امروز همگان اذعان دارند که جنبش مردم در دوم خرداد به مراتب عمیق‌تر و گسترده‌تر و سرنوشت‌سازتر از مبارزات سیاسی - اجتماعی سال‌های ۱۳۳۰ می‌باشد. می‌دانیم احزاب و سازمان‌های چپ در خارج از کشور با بررسی و تحلیل‌های نادرست از زمان شروع کارزار انتخابات ریاست جمهوری اولین گام خطای بزرگ سیاسی را با اتخاذ تاکتیک انفعال و تحریم انتخابات برداشتند. عدم شناخت واقعیت جامعه امروز

### تا در قفس بال و پر خویش اسیر است

### بیگانه پرواز بود مرغ هوایی

#### الف. اشرف

سایه

سوال رفته بود. می‌دانیم که در واکنش به پیام دوم خرداد، اعلامیه‌های فراوانی صادر شد. مضمون اساسی اعلامیه‌های چپ، اگر با کمی دقت بررسی شود، در حقیقت پذیرش ضمنی خطای تحریم بود. پس از گذشت قریب یک سال، برخی احزاب از پذیرش ضمنی خطا قناتر نرفتند. دو سال گذشت و هنوز پیام به درستی درک نشد.

رفقای سازمان فدائیان (اکثریت) اما با درک درست و دقیق واقعیت عینی در کنگره ۱۹۹ «با محملی چون انتخابات ریاست جمهوری عرصه تجلی آراء و جویانگاه اراده ملی گردید» تکرار همان خطاهای ارزیابی‌های چپ‌افزینی است که از سوی رهبری حزب توده ایران تا مقطع ۳۰ تیر سال ۳۱ در برابر جبهه ملی اتخاذ شده بود.

صدای رعده‌های گام‌های میلیون‌ها انسان آگاه که در دوم خرداد عملاً به صحنه مبارزه وارد شدند به تحلیل‌گران جدا از توده‌ها در خارج از کشور پیام داد که از خواب بیدار شوید. پیام داد که تحریم یعنی در جبهه ارتجاع طالبانی قرار گرفتن، یعنی از مبارزه با امکانات موجود دست کشیدن. آشکارا پیام داد که انفعال و تحریم را نمی‌پذیریم، در انتخابات شرکت می‌کنیم. برآستی که اپوزیسیون خارج بویژه اعتبار چپ، زیر

چون جلال افشار گذاشت که نظرات خود و دوستانش را در معرض داوری همگان قرار دهد. با تاسف بسیار شدید مشاهده می‌کنیم که «نامه مردم» با این روش بیگانه است. هیچ نامه‌ای را که «مردم» یعنی خوانندگان بنویسند چاپ نمی‌کنند. وقتی کسی از طریق نام‌های ارسال می‌دارد، نمی‌داند که آیا نامه‌اش به مقصد رسیده است یا نه. آیا نامه‌اش را خوانده‌اند و یا در سبد انداخته‌اند. بگفته زنده‌یاد مختاری «فرهنگ تک صدایی» حاکم بر نامه مردم است. البته می‌توان هر روز نامه و یا مطلبی نوشت و ارسال داشت، اما پژوهشی ندارد. در این صورت برای هر کس این سوال پیش می‌آید که آیا آزادی بیان و اندیشه یکسویه است؟ در چنین فضایی است که من هم مانند رفقا عباس - بهروز به جای این که نامه‌ام را برای نامه مردم ارسال دارم، برای «کار» می‌فرستم. قابل درک است که اگر بفرض «کار» هم بی‌توجه بماند، ناچار به دیگران مراجعه خواهد شد. من به وظیفه انسانی‌ام عمل می‌کنم، چه پاک از این که اتهام و ناسزا نثارم کنند.

بنابر این به رفقای گرامی «نامه مردم» پیشنهاد می‌شود صفحه گفتگو و انتشار نظرات و انتقادات سازنده را بگشایند، اجازه دهند اعضا، همداران و دوستان حزب سخن بگویند. اجازه دهند خرد جمعی بمعنی واقعی و حقیقی‌اش حاکم باشد. توجه نمایند که در عصر اینترنت، نمی‌توان تمام درها و حتی پنجره‌ها را بست.

عاشقان را بگذارید بنانند همه / مصلحت نیست که این زمره خاموش کنید

### به اتهامات پاسخ دهید

#### یک هوادار

بسیاری از مردم با شک و تردید در بعضی از مسائل گذشته سازمان می‌نگرند و بعضی از سازمان‌ها در رادیسوها و رسانه‌هایشان برخورد تندی با گذشته سازمان می‌کنند و بخشی از مردم غافل از یکسری مسائل دچار اشتباه می‌شوند و مرز حقیقت و سوء را تشخیص نمی‌دهند. بیایند دوستان یک بار هم که شده در صفحات کار به این مسائل بپردازید که دیگر بحثی نباشد که سازمان با گذشته خود برخورد نکرده است.

رفیق گرامی! سازمان ما هم در پلنوم وسیع فروردین ماه سال ۶۵ هم در نخستین کنگره خود و هم در مقالات بسیاری که از سوی صاحب نظران سازمان نوشته شده است، خط مشی گذشته خود

دوستان عزیز، هدف از نوشتن این نامه آن است که این جا و آن جا می‌شویم سازمان در گذشته این حرکت را داشته، این اعلامیه را در پشتیبانی از فلان شخص حکومتی کرده و با طرح شعارهایی و موضع‌هایی جنبش خلق کرد و ترکمن را به بیراهه برده و در فلان شماره نشریه کار از نبود شنجه در زندان‌ها سخن رفته است و یا سازمان با پاسدارها در سرکوب همکاری داشته و مسایل از این دست... همان طور که سازمان در کنگره اول بیان کرده، در رابطه با گذشته سازمان به نظر من بهتر است یک برخورد جدی و فعال در بررسی گذشته سازمان و عملکرد آن صورت بگیرد و برای مردم توضیح داده شود. چراکه

### تشکر از چاپ یک مقاله

موجود» ارزیابی می‌کنم، و هم‌بطن از طرف بخشی از دوستان، کمال خستگی خود را نسبت به مقاله «یگانگی علم» به قلم آقای طبری ابراز می‌کنم. ای کاش نشریات دیگر هم که داعیه

اینجانب به عنوان یک خواننده آزاد که بسیاری از جزئیات مشی سیاست‌بازانه سازمان شما را قبول ندارم ولی در عین حال آن را تلاشی به سود مردم و چپ‌های صادق «واقعا

رفقا! کنگره ششم پیش روی ماست، باید تعیین ماهیت واقعی بکنیم. چون در ضمن اعتقاد و احترام به افکار مختلف می‌بایست دارای اصول باشیم تا تحولات کشورمان تأثیرگذار باشیم. باید تعیین کنیم که از کدام موضوع می‌خواهیم به تحولات کشورمان نگاه کنیم و ایفای نقش کنیم. باید سنت‌شکنی کنیم و از سپردن رهبری سازمان به صرف سابقه، سن و شعارهای بی‌پایه و اساس بپرهیزیم. نباید از اشتباه نیروهای جوان سازمان بترسیم، چون بطور قطع انسان زنده در حرکت اشتباه می‌کند. پس رهبران را بر اساس اعتقاد به اصول مورد توافق خودمان انتخاب کنیم. بطور مسلم تا ما با خودمان تعیین تکلیف نکنیم، نمی‌توانیم در کشورمان و بر روی پایگاه اجتماعی خود تأثیر لازم را بگذاریم.

### تشکر

بدین وسیله از همه دوستانی که با ابراز همدردی و یا با شرکت خود در مراسم خاکسپاری و یادبود ماندنی، ما را در اندوهمان یار و همراه بودند، تشکر می‌کنیم.

ناهدید، نوشین و نگین

۲۰ مای ۹۹

### منتشر شد

## کتاب پژوهش کارگری

شماره ۳ بهار ۱۹۹۹

جنبش کارگری ایران: پر جوش اما پراکنده جلیل محمودی

تشکل کارگری در گروه مملکت کارگران در مقابل قدرت دولتی

اشکال مدیریت سرمایه‌داری و سازمان‌دهی کار در سوسیالیسم ناصر سعیدی

ویژگی‌های مدیریت سرمایه‌داری و اشکال کنترل بر کار چند ویژگی سازمان‌دهی کار در سوسیالیسم

خطراتی از زندگی و مبارزه کارگران نفت پدیده خسرو شاهی

دوره زندان

دوران اندلب

بلشویک‌ها و کنترل کارگری ام. برینتون

تکنولوژی اطلاعاتی و خودمدیریتی سوسیالیستی احمد برینتون  
چهارم: جلیل محمودی  
اندی یولاک  
برگردان: ج. آزاد

قسمت دیگری از خطرات پیدالله خسرو شاهی، کارگر قدیمی صنعت نفت در این شماره رسیده است که از جمله شامل چگونگی رابطه کارگران نفت با جریانات سیاسی، خطرات زندان دوره شاه و فعالیت کمیته مخفی و سراسری کارکنان نفت در جریان انقلاب بهمن ۵۷ می‌باشد.

از مقالات دیگر این کتاب بخشی از کتاب «ام. برینتون» به نام «بلشویک‌ها و کنترل کارگری» و مقاله‌ای به نام «تکنولوژی اطلاعاتی و خودمدیریتی سوسیالیستی» می‌باشد.

بهای تک شماره کتاب ۶ دلار، ۱۰ مارک و ۴ پوند می‌باشد و علاقمندان برای تهیه آن می‌توانند با آدرس زیر مکاتبه کنند:

Postlagerkarte  
Nr. 093739 C  
30001 Hannover  
Germany

### بررسی مسائل کودکان

### و نوجوانان ایرانی در مهاجرت

کانون فرهنگی ایرانیان مقیم زارلند، از تمامی هموطنان دعوت کرده است در این سمینار که در شهر زاربروکن آلمان برگزار خواهد شد، شرکت کنند. آدرس تماس با کانون فرهنگی ایرانیان مقیم زارلند:

Iranischer Verein fuer Kulturelle Zusammenarbeit im Saarland e. V  
Postfach 103323,  
66033 Saarbruecken  
Tel: 0681-813908/5849695

کانون فرهنگی ایرانیان مقیم زارلند در آلمان، سمیناری را تحت عنوان «بررسی مسائل کودکان و نوجوانان ایرانی در مهاجرت» برگزار خواهد کرد. این سمینار در روزهای شنبه و یکشنبه دوم و سوم اکتبر سال جاری برگزار خواهد شد و از متخصصین روانکاوی، علوم تربیتی، روان‌شناسی، فلسفه و فیلم‌سازی از نقاط مختلف اروپا، برای شرکت در آن دعوت به عمل آمده است.

### فرم درخواست اشتراک

اشتراک جدید □ تمدید اشتراک □ شماره اشتراک:

مدت اشتراک: شش ماهه □ یک ساله □ تاریخ:

نام: Name: .....

نشانی: Address: .....

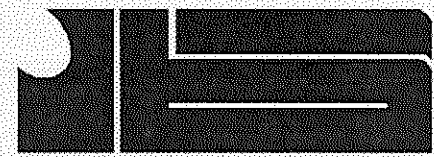
.....

.....

.....

فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر)

به آدرس



چهارشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۷۸ - ۲۶ مه ۱۹۹۹ دوره سوم - شماره ۲۰۸  
KAR. No. 208 Wednesday 22. May. 1999  
G 21170 D

«کار» ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود

# اسرائیل انتخاب کرد

## استراتژی دوگانه یا اختلاف در ناتو؟



وحدت عربی  
۵. وحدت  
ملی ۴ و  
حزب  
کمیونسیت ۳  
نماینده به  
کنسه خوانند  
فرستاد.  
نتایج آرا  
نشان می‌دهد  
اهود باراک  
می‌تواند با  
حضور  
احزاب  
سکولار-

اهود باراک رهبر حزب کارگر اسرائیل در انتخابات نخست‌وزیری که برای اولین بار بصورت مستقیم انجام پذیرفت، با کسب ۵۶/۰۸ درصد از آرا رقیب خود بنیامین نتانیاوو رهبر حزب لیگود (۴۲/۹۲ درصد) را شکست داد و بسه عنوان نخست‌وزیر اسرائیل انتخاب شد. در انتخابات پارلمان اسرائیل که ۱۲۰ عضو دارد و همزمان با انتخابات نخست‌وزیری برگزار گردید بیش از ۵۰ حزب شرکت داشتند. اتحاد «اسرائیل واحد» که حزب کارگر نیز از اعضای آن است ۲۶ کرسی، حزب راست لیگود ۱۹، حزب یهودیان ارتدکس شاس ۱۷، حزب لیبرال مرتس ۱۰، حزب مهاجران روسی (شارانسکی) ۶، حزب سکولار (شسی‌نوی) ۶،

محسوسی بین اینان بوجود آمد. اتحادیه اروپا بدلیل عدم پیشرفت روند صلح از اعطای ۲۰ میلیارد دلار کمک مالی به دولت وی سر باز زد. **باراک به کدام سو** ترور اسحاق رابین جامعه اسرائیل را دو شقه کرد. در دوران نتانیاوو اختلافات ارتدکس‌های یهودی و سکولارها تعمیق یافت. ارتدکس‌ها در این دوره ۷ نماینده بیشتر از دوره قبل به کنسه خوانند فرستاد. **باراک در دوران** نخست‌وزیری خود با مشکلات متعددی روبرو است. او باید از یک سو روند صلح در خارج از مرزهای اسرائیل را پیش ببرد. وی در نخستین مصاحبه مطبوعاتی‌اش قول داد که به مناقشه در جنوب لبنان پایان دهد و طی یکسال آینده نیروهای اسرائیلی را از این منطقه خارج کند و مذاکره صلح با سوریه و تخلیه بلندی‌های جولان را از سرگیرد و همچنین گفت که هیچ امتیازی در مورد اورشلیم به فلسطینیان نخواهد داد. از سوی دیگر کاسه صبر فلسطینیان که اعلام تشکیل دولت خود را به بعد از انتخابات می‌کول کرده است لبریز شده است و دیدار با ژود دولت فلسطینی احداث خواهد گردید. علاوه بر آن خطر غول ارتدکس یهود را به درون شیشه بازگرداند. و شرایط زیست



اینک برای نخستین بار در تاریخ اسرائیل خانم حسیه جباره یک زن عرب اسرائیلی عضو حزب چپ میانه «مرتس» به کنسه راه یافت. حزب عرب‌های اسرائیلی «تیلاو» نیز موفق گردید دو نماینده به مجلس اسرائیل بفرستد.



مسئله بالکان تلقی گردید. از طرف دیگر در پی دیدار رایین‌کوک وزیر خارجه انگلیس از ایالات متحده آمریکا و سخنان مشترک‌اش با مادلین آلبرایت دربارہ اعزام نیروی زمینی به یوگسلاوی برای حصول یک پیروزی سریع، صدراعظم آلمان گرهارد شرودر در مصاحبه‌ای با سی.ان.ان ضمن حمایت از حملات هوایی و مخالفت با اعزام نیروی زمینی به عدم وحدت نظر سیاسی در میان اعضای ناتو اعتراف کرد.

خاوریسولانا دیرکل سازمان پیمان آتلانتیک شمالی در مصاحبه‌ای با روزنامه ایتالیایی «ایل جورنال» گفت: میلسوویچ باید شروط ما را بپذیرد و عقب‌نشینی را آغاز کند، پس از آن می‌توان بمباران‌ها را قطع کرد. ماسیو داله‌ما نخست‌وزیر ایتالیا در ملاقات خود با خاوریسولانا گفت: ما باید بمباران‌ها را قطع کنیم تا شورای امنیت طرح گروه ۸ را به تصویب برساند.

با گذشت هر روز شکست سیاست جنگ طلبانه ناتو عیان‌تر می‌شود. بمب‌های ناتو نه دیکتاتور یوگسلاوی و صرب‌های شورویت را «تادیب» کرد و نه تخفیری در وضع مردم و آوارگان کوزوو بوجود آورد. مشکل اینجاست که ناتو نمی‌خواهد به شکست خود اعتراف کند و حل مناقشه را به مرجع اصلی یعنی سازمان ملل بپردازد. در این میان قربانیان اصلی مردم یوگسلاوی و کوزوو هستند.

ناتو همچنان به بمباران شهرهای یوگسلاوی ادامه می‌دهد. روز جمعه گذشته جنگنده‌های ناتو طی ۴۸ ساعت ۶۸۴ هدف را مورد حمله قرار دادند. در این حملات از بمب‌های خوشه‌ای که کاربرد آن از سوی سازمان ملل تنقید شده است نیز استفاده گردید. طی این حملات به سفارت سوند و عراق خسارتی وارد آمد. **ناتو تحت** عنوان اهداف «مشروح» به بمباران کارخانجات، پل‌ها و نیروگاه‌های تولید برق و سایر تاسیسات حیاتی که تاثیر مستقیم بر زندگی غیر نظامیان و مردم عادی دارد پرداخت. در همین حال هر روز بر تعداد حملات «اشتباهی» ناتو به غیر نظامیان افزوده می‌گردد.

### استراتژی دوگانه همان اختلاف نظر اعضای ناتو است

مقامات ناتو طی روزهای

# پریما کفر رفت، استپاشین آمد، یلتسین می ماند

# هلند: چه کسانی از قدرت مردم در هراسند

# واقعیت قضیه چیست؟

## علائق اقتصادی و استراتژیک

## نهفته در تجاوز ناتو به یوگسلاوی

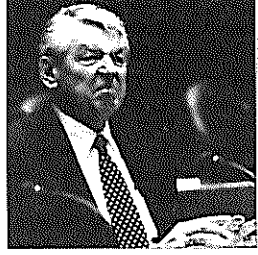
مطلبی را که ملاحظه می‌کنید برگرفته از هفته‌نامه آزادی ارگان حزب کمونیست نروژ است که در ارتباط با حمله ناتو به یوگسلاوی نوشته شده. این مطلب کمی خلاصه شده است.

### کسی به یلتسین خیانت کرده است.



فراکسیون کمونیست‌ها طی ماه‌های گذشته طرح استیضاح یلتسین در ۵ مورد را تهیه کرد. یکی از مهمترین مواد آن فرمان حمله او به چچن و جنایت علیه مردم آن بود. در جلسه رای‌گیری برای استیضاح بوریس یلتسین بیش از ۱۰۰ نفر از نمایندگان حضور نیافتند و موارد استیضاح او از اکثریت برخوردار نشد. پس از به توپ بستن مجلس، یلتسین قانون اساسی تازه‌ای را تهیه کرد که همه قدرت را در اختیار رئیس جمهور قرار می‌دهد. اگر حتی طرح استیضاح او در دوما نیز به تصویب می‌رسید، در مرحله بعدی دادگاه قانون اساسی مامور رسیدگی به تخلفات رئیس جمهور می‌شد. سپس دیوان عالی کشور و در آخرین مرحله شورای فدراتی نیز باید به آن رای مثبت می‌داد. در شرایطی که یلتسین از بیماری رنج می‌برد و بعد از عمل قلب خون‌گامی به مغزش نمی‌رسد و حرکات و اعمالش دیگر دارای ثبات نیستند و از سوی دیگر خود او نیز حاضر به کناره‌گیری از مقامش نیست. در این شرایط هیچکس در روسیه نمی‌داند این معضل موجود در «قانون اساسی» چگونه قابل حل است.

هنگام برگزاری جلسه مشترک کابینه و رئیس جمهور، بوریس یلتسین وارد سالن شد و گفت: چرا صندلی آقای استپاشین اینقدر دور است. او باید نزدیک من بشیند. ناظران این حرکت او را ناشی از «سرمستی» یلتسین تفسیر کردند. در روز بعد وی در آستانه بررسی استیضاح خود در دوما، یوگنی پریماکف نخست‌وزیر را از کار برکنار کرد. یلتسین دلیل این اقدام را عدم موفقیت پریماکف در حل مسائل و مشکلات «استراتژیکی اقتصادی» خواند. طی ۱۴ ماه گذشته این برای سومین بار است که او نخست‌وزیر تعیین می‌کند. متعاقب اخراج پریماکف که از محبوبیت بسیار برخوردار بود یلتسین، سرگئی استپاشین را برای تصدی مقام نخست‌وزیری به دوما پیشنهاد کرد. به گفته ناظران این اقدام یلتسین با دلایل اخراج پریماکف کاملاً در تضاد است. زیرا استپاشین یک ژنرال ارتش روسیه بوده است و آگاهی از مسائل اقتصادی ندارد. وی از سال ۱۹۹۰ تا سال ۱۹۹۵ در سرویس مخفی روسیه خدمت می‌کرد و در سال ۱۹۹۴ به مقام ریاست این سرویس ارتقا یافت. وی در سال ۱۹۹۵ بعد از آنکه ارتش چچن ۱۵۰۰ نفر را در یک بیمارستان در جنوب روسیه به



نخست‌وزیر سوسیال دموکرات هلند استفا داد. دولت ائتلافی رهبری ویم کوک، حزب راست میانه مردمی برای آزادی و دمکراسی (VVD) و حزب دمکراتهای ۶۶ است. چندی پیش طرح تغییر قانون اساسی هلند برای انجام دمکرات‌های ۶۶ به پارلمان و مجلس سنای هلند ارائه گردید. بر اساس این طرح بجز از مسائل دفاعی و مالیاتی، مردم می‌توانند در مرحله اول با جمع آوری ۴۰ هزار امضا و در دومین مرحله با حداقل آرای ۶۰۰ هزار نفر مسائل مهم خود را به معرض همه‌پرسی قرار دهند. این طرح با اختلاف یک رای در مجلس سنای هلند اکثریت آرای دوسومی را کسب نکرد. متعاقب آن حزب دمکرات‌های ۶۶ صفوف ائتلاف را ترک نمود. ستاور هانس ویکل عضو حزب (VVD) به طرح همه‌پرسی مخالفت خود گفت: این طرح قدرت زیادی بخصوص در مسائل بین‌المللی برای مردم به همراه خواهد داشت. این حزب سال گذشته نیز خواستار سخت‌نمودن قوانین پناهندگی و جزایی در هلند گردیده بود.

پایتز جاری گریز ناپذیر است. □

مقابل و حریف ناتو و آمریکا بلکه نقش طرف‌ترین آمریکا و ناتو را بازی می‌کند. (به مشابه مثبت‌زنی که برای ورزیده شدن و آمادگی باکسی‌ترین می‌کند) بدین دلیل، اماج واقعی حملات ناتو نه تنبیه میلسوویچ، که اهداف دیگری هستند. سیاست آن است که یوگسلاوی بازم قطع، قطعه شود و اگر حاکمان هر یک از این قطعه‌ها مانع توسعه و نفوذ آمریکا و ناتو در منطقه گردند با ویران کردن سرزمینشان تنبیه شوند. سلاهای فوق مدرن ساخت آمریکا و ناتو در میدان یوگسلاوی کارایی‌شان محک زده شود. هرکس نخواهد در این منطقه سلطه آمریکا و ناتو را بپذیرد بایستی بوسیله لشکرکشی و بمباران و یا بوسیله تحمیل شرایط ناتو از طریق مذاکرات سیاسی در مقابل آمریکا و ناتو به زانو درآید. آری مسئله حقوق بشر و کوزوو بهانه‌هایی بیش نیستند. اسباب ادامه در صفحه ۱۰

یکی از اهداف حمله آمریکا بدست آوردن پایگاه‌های نظامی دائم در منطقه بالکان بوده است که از هم اکنون با حضور در آلبانی و مقدونیه تحقق یافته است. به تازگی تونی بلیکین یکی از سیاستمداران شناخته شده به حزب کارگر انگلیس گفته است: بمب‌ها خود بخشی از یک استراتژی هستند. میلسوویچ نیز همچون صدام حسین در این قضیه نه نقش طرف